

عنوان: نقش کارآمدی نظام حاکمیتی (سیاسی - حقوقی) مبتنی بر مردم سالاری دینی در تحقق حکمرانی مطلوب و با رویکرد و شاخصه های اسلامی در ج ۱.۰

پدید آور: علیرضا کامرانی ، دانشجوی: دکترای حقوق عمومی ، مورخ: ۱۳۹۸/۱۱/۱۴

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش کارآمدی نظام حاکمیتی در تحقق حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی؛ در صدد پاسخ به این سوال است که؛ «آیا کارآمدی نظام حاکمیتی (نظام سیاسی - حقوقی) جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر مردم سالاری دینی نقش تعیین کننده ای در تحقق حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی دارد؟». پس از بررسی موضوع مشخص شد که: ساختار سازمانی، نظام اداری، حاکمیت، حکومت، مردم سالاری، دولت، جامعه مدنی، بخش خصوصی، سیاستگذاری و فرهنگ سیاسی هرکدام بعدی از ابعاد حکمرانی را به اجرا می گذارند و به عنوان متغیرهای تاثیر گذار بر حکمرانی خوب، تاثیرات متقابلی نیز بصورت زنجیره ای بر یکدیگر دارند، به طوری که موفقیت یکی مستلزم انتخاب، عملکرد، شرایط مکانی و زمانی و وضعیت محیطی «مناسب» دیگری است. به ترتیب؛ هر «سازمان» نیازمند «ساختار مطلوب»، ساختار سازمانی مطلوب نیازمند به یک «نظام اداری مستحکم» (به عنوان بازوی اجرایی نظام سیاسی) و نظام اداری نیز نیازمند «حاکمیتی» است که واجد «اقتدار» لازم بوده و «حکومت» را با نوع و شیوه مطلوب و کارآمد آن را طراحی نماید، حاکمیت و حکومت خود نیز نیازمند «دولتی» است که ضمن اجرای شاخص های کارآمدی؛ تعامل و مشارکت مطلوبی با دیگر ارکان حکمرانی یعنی «جامعه مدنی» و «بخش خصوصی و شهروندان» داشته و با «سازمان ها، تجمعات بین المللی و فراملی سازمان ملل و کنشگران بین المللی» تعامل و روابط مدبرانه بر اساس عزت و مصلحت و در چارچوب اهداف و مبانی دینی داشته باشند؛ و اینکه، «تعریف مفاهیم و مبانی نظری دارای صلابت، اتقان و شفاف باشد و توسعه «فرهنگ سیاسی» به جهت نقش محوری آن در توسعه و تحول «زیر سیستم ها» و «سیستم یکپارچه نظام حاکمیتی»؛ عواملی هستند که در تحقق حکمرانی مطلوب و اسلامی نقش اساسی دارند.

کلید واژه ها: حکمرانی خوب ، حکمرانی با رویکرد اسلامی ، کارآمدی نظام سیاسی - حقوقی ، مردم سالاری دینی، شاخص ها

The role of the efficiency of sovereign system (political-legal) based on religious democracy in accomplishment of a desirable governance with an Islamic approach in Islamic Republic of Iran

Abstract

This study according to its purpose in explaining the efficient role of sovereign system in achieving good governance with Islamic approach, seeks to answer this question "does the efficiency of the sovereign system of Islamic Republic (political-legal) of Iran based on religious democracy have a decisive role in achieving good governance with an Islamic approach?" After studying the subject, it was found that: Organizational structure, administrative system, sovereignty, governance, democracy, government, civil society, private sector, policymaking, and political culture each one administates a part of governance and as variables that influence good governance, a chain of interactions exist between them. So that one's success depends on another's choice, performance, Spatial and temporal conditions and the appropriate environmental status. Accordingly, every 'organization' needs a 'desirable structure', a desirable organizational structure needs a 'robust

administrative system' (As the executive arm of the political system in the implementation of policies, guidelines and laws) and the administrative system also needs a "sovereignty" that has the "authority" and designs the "government" in its optimal and efficient manner. Sovereignty and governance also need a "government" that, while implementing the indicators of efficiency, interacts and participates well with other elements of governance like "civil society", "the private sector and citizens". It should also have an interactive and contrivance relationship with "organizations, international and transnational United Nations' association and international agents" based on dignity and expediency and within the framework of religious aims and principles. Some factors like robustness and acceptance of theoretical foundations, a clear definition of relevant concepts and cultural development in particular political culture because of its central role in the development and evolution of 'subsystems' and integrated system of governance, have efficient role in accomplishing a desirable and an Islamic governance.

Keywords: good Governance, Governance with Islamic Approach, Effectiveness of Political-Legal System, Religious Democracy, Indicators

۱. مقدمه:

واژه «حکمرانی خوب» واژه جدیدی است که در اواخر دهه ۱۹۹۰ در ادبیات توسعه مطرح شد. این مفهوم محصول مشارکت سه نهاد دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی می باشد. بانک جهانی حکمرانی خوب را بر اساس شش شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، کارآمدی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد، تعریف کرده است. پدیده حکمرانی خوب و با رویکرد اسلامی به عنوان یک نظریه جدید در عرصه جهانی مطرح شده است. الگوی حکمرانی اسلامی، شیوه حکومتی است که بر اساس مبانی، اصول و روش های اسلامی و متکی بر مطلوبیت ها و خواست های اسلام طرح ریزی و بر مبنای نظریه مردم سالاری دینی طراحی گردیده است. با نگاهی به تعالیم اسلامی، کلامی و فقهی، می توان مدعی شد که، شاخص های مطرح شده نه تنها در برگیرنده شاخص های «حکمرانی خوب»، بلکه از بعد معنوی، دارای ترجیحات واضحی نیز می باشد. جنبه های فرهنگ دینی به عنوان رکن اساسی هویت جامعه ایرانی و همچنین ظرفیت های محیطی آن؛ نشان دهنده این موضوع است که پذیرش و انطباق شاخص های حکمرانی خوب در نظام حاکمیتی قابل استناد است، لیکن با توجه به اینکه شاخص های حکمرانی خوب بر اساس تفکرات مادی بنا نهاده شده است، بدین لحاظ تفاوت هایی نیز در خصوص بنیان های فکری نظریه حکمرانی خوب از بعد معنوی با شاخصه های اسلامی دارد. گرچه در ابتدا نظریه حکمرانی خوب جهت توسعه اقتصادی در کشورها بنا نهاده شده لیکن تحقق حکمرانی خوب نیازمند توسعه در همه عرصه های، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی بر کلیه فرآیند های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تاثیر گذار بوده و تامین کننده محیط مناسب برای رشد تعالی انسان است.

پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش کارآمدی نظام حاکمیتی در تحقق حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی؛ اقدام به بررسی شاخص های حکمرانی خوب و با رویکرد اسلامی و همچنین نقش توانمند سازی دولت با استفاده از شاخص های کارآمدی در سطوح؛ ایده و بنیان های نظری، ساختار، کارگزار (مدیران و کارکنان)، سطح رفتار و عملکرد (کارآمدی در اجرا و عمل) کرده است.

این پژوهش در پی پاسخ به این سوال است که؛ «آیا کارآمدی نظام حاکمیتی (سیاسی - حقوقی) جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر مردم سالاری دینی نقش تعیین کننده در تحقق حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی دارد؟»؛ در همین رابطه، فرضیه ای نیز مطرح شده است که؛ «کارآمدی نظام حاکمیتی (سیاسی - حقوقی) جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر مردم سالاری دینی، در تحقق حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی دارای نقش تعیین کننده است». در این خصوص متغیر های تاثیر گذاری در تحقق حکمرانی

خوب با رویکرد اسلامی وجود دارد از جمله: سازمان، موسسات، نهاد ها، ساختار، سیستم کارآمد، سیاستگذاری مطلوب و نگرش سیستمی؛ که مورد بررسی قرار خواهند گرفت. بدین منظور پژوهش حاضر از روش توصیفی-تحلیلی بهره خواهد برد و از این رهگذر به بررسی و تحلیل شاخصه ها و نقش تعیین کننده کارآمدی دولت در حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی می پردازد. بدین منظور پیشینه و ادبیات موضوع مورد بررسی قرار گرفت که به برخی از آنها اشاره می شود: کتب: بیتهم، دیوید و بویل کوپل (۱۳۸۶) دموکراسی چیست؟ (آشنایی بادموکراسی)، ترجمه شهرام نقش تبریزی، تهران، انتشارات ققنوس، پروین، خیرالله، (۱۳۹۳)، مبانی حقوق عمومی، تهران: چاپ دوم، انتشارات سمت، جکسون، مایکل سی (۱۳۹۵)، "تفکر سیستمی: کل گرایی خلاق برای مدیران"، ترجمه علی محمد احمدوند و غلام جاپقلیان، تهران: جهان جام جم؛ پایان نامه: ضیایی، رضوان: "نقش سیستم های نظارت و بازرسی (آمبودزمان) در توسعه مردم سالاری"، کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۹، گنجی، معصومه، با عنوان "آسیب شناسی ساختار سازمانی دستگاه های دولتی بر اساس ضوابط تشکیلات دولت، کارشناسی ارشد مدیریت منابع انسانی دانشگاه تهران، ۱۳۹۴، موسوی، سید غلامرضا: "نقش نگرش سیستمی در کارآمدی نظام اسلامی مبتنی بر نظریه ولایت فقیه"، دکترای مدرسی معارف اسلامی و مبانی نظری اسلام، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام دانشکده: معارف، فلسفه و کلام اسلامی، ۱۳۹۱ و مقالات: نوروزی، محمد جواد: "نظریه مردم سالاری دینی در قیاس با دموکراسی غرب"، چکیده مقالات همایش مردم سالاری دینی؛ ولی زاده، ابوالقاسم، "مقایسه مبانی و شاخص های مردم سالاری دینی با لیبرال دموکراسی"، کنفرانس ملی آینده پژوهی علوم انسانی و توسعه، شیراز، مهرماه ۱۳۹۴؛ هداوند، مهدی، "حکمرانی خوب توسعه و حقوق بشر"، نشریه حقوق اساسی، شماره چهارم، ۱۳۸۴؛ یگانگی، سیده عاطفه، الوانی سید مهدی، معمارزاده طهران، غلامرضا، "اولویت بندی شاخص های حکمرانی خوب در سازمان های کارا، فصلنامه رسالت مدیریت دولتی، سال هفتم، شماره ۲۱، بهار ۱۳۹۵؛ رزمی، محمد جواد، صدیقی، سمیه، "الزامات تحقق حکمرانی خوب برای دستیابی به توسعه انسانی"، چهارمین همایش ملی اقتصاد ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر، آذر ماه ۱۳۹۱؛ ریاحی، بهروز، نصرتی، علی رضا، "نگرش سیستمی در تدوین راهبردهای باز مهندسی ساختار نظام اداری کشور"، فصلنامه پژوهشی مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، سال اول، شماره ۳، سال ۱۳۹۶؛ یوسفی شیخ رباط، محمدرضا، بابائی، فهیمه، "نظریه حکمرانی خوب از دید گاه نهج البلاغه"، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه: سال ششم شماره ۲۱ بهار ۱۳۹۷ و... با بررسی هایی که صورت گرفت، مشخص شد که راجع به کارآمدی دولت و حکمرانی به واژه «کارآمدی» اکتفاء شده است و به سطوح کارآمدی و شاخص های آن اشاره ای ندارد. با توجه به میان رشته ای موضوع حکمرانی، مولفه ها و مفاهیم رشته های دخیل در این موضوع در مبانی نظری مورد استفاده قرار نگرفته و به همین جهت، نتیجه گیری ها از اتقان و روایی لازم برخوردار نیستند.

از آنجا که معنای ساده «حکمرانی»؛ فرآیند تصمیم گیری و اجرای تصمیمات است، از این حیث دولت به عنوان تنظیم کننده این روابط، نقش عمده و بستر ساز از طریق تدوین سیاستگذاری ها و خط مشی ها، برنامه ریزی، قانون گذاری، کنترل و ارزیابی و تنظیم روابط با نهاد های مدنی و بخش خصوصی را دارد و از این حیث دارای سهم به سزایی در تحقق حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی می باشد. بررسی کارآمدی دولت بر اساس شاخص های پذیرفته شده در متون علمی رشته های مدیریت و علوم سیاسی صورت می گیرد، همچنین این شاخص ها ارتباط وثیقی با اصول و ارکان «حقوق عمومی» دارد، و از این لحاظ پژوهش حاضر میان رشته ای محسوب می شود. بنا به مراتب؛ حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی مستلزم دولتی کارآمد است که بر اساس شاخص های کارآمدی، حکمرانی خوب و با رویکرد اسلامی و اصول حقوق عمومی به اجرای وظایف خود می پردازد.

امروزه نوع نگاه به سازمان ها، ساختار سازمانی و ارتباط آنها با یکدیگر و با دیگر نهادهای برون حاکمیتی، «سیستمی» است که بخش های مختلف را در قالب یک سیستم منسجم و منظم مد نظر قرار می دهد. کارآمدی ارتباط تنگاتنگی با نگرش سیستمی دارد، این نگرش به مدیریت کلان جامعه کمک می کند که مسائل به صورت جامع و نظام مند دیده شود و این خود زمینه ساز تحقق حکمرانی شایسته دینی-اسلامی خواهد بود. از دیدگاه «حاکمیت» و «حکومت» می توان ادعا نمود که هیچ حاکمیتی در عمل کارآمد نیست، مگر اینکه حکومت کارآمدی را طراحی کرده باشد. دراین پژوهش سعی بر این است که با بررسی مبانی

نظری؛ شاخصه ها، عوامل و متغیرهای واقعی مشخص شوند و در بخش تحلیل، ارتباط مفاهیم با یکدیگر و تاثیر آنها در تحقق حکمرانی مطلوب و با رویکرد اسلامی مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

۲. مبانی نظری پژوهش

به اقتضای موضوع پژوهش و در جهت نتیجه گیری علمی، مستند و متقن تر از مباحث ارائه شده، ضمن پرداختن به مباحث و مفاهیم کلیدی، ترکیب بندی آن به ترتیب و اولویت مباحث حقوق عمومی-حقوق اساسی (جامعه سیاسی، قدرت سیاسی و دولت) و رشته مدیریت (ساختار، سازمان و سیستم) و سپس مباحث علوم سیاسی (کارآمدی، سیاست گذاری...) خواهد بود.

۱،۲: قدرت سیاسی

الف: تعریف مفهومی: اگرچه «قدرت» مختص به «قدرت سیاسی» نمی گردد و دامنه آن به قدرت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... کشیده می شود ولی قدرت سیاسی آشکار ترین نمود قدرت است، با تشکیل جامعه انسانی و حرکت به سمت تشکیل جامعه سیاسی، قدرت سیاسی به اجبار تولید می گردد... از این رو «جامعه سیاسی» را می توان مرکب «قدرت سیاسی» دانست و هدف چنین قدرتی اعمال نوعی ویژه از قدرت نظیر «حکومت و تمشیت امور سیاسی» است (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۰: ۱۵ و ۱۶). فوکو در تعریف قدرت سیاسی بحث قدرت با «الگوی حاکمیت» را مطرح می کند (فوکو، ۱۳۷۰: ۳۲۹). در مقام جمع بندی می توان گفت: «قدرت سیاسی توانایی تحمیل اراده ای است که دارای خصلت سیاسی می باشد و متناسب با اندیشه پذیرفته شده در نظام حقوقی عمل می نماید» (آجرلو، طاهری، ۱۳۹۵: ۷). قدرت سیاسی خود نیز به قدرت تقنینی (همان منبع: ۱۲)، قدرت اجرایی (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۹۰: ۲۵۸ و کدخدایی، بهادری جهرمی، ۱۳۹۰: ۱۴۲)، قدرت قضایی (قاضی شریعت پناهی، همان منبع، ص ۱۷۹؛ قاضی شریعت پناهی، ۱۳۶۸: ۵۹۹؛ به نقل از: آجرلو، طاهری، ۱۳۹۵: ۹ و عمید زنجانی، ۱۳۸۳: ۴۰۳) تقسیم می شود.

۲،۲: دولت - کشور:

تعریف و مفهوم: «قدرت سیاسی» ارتباط معنایی نزدیکی با مفاهیمی چون «دولت-کشور» و «حاکمیت» و «حکومت» برقرار می کند که تفحص در این معانی به فهم دقیقتری از قدرت سیاسی منجر می شود. دولت-کشور به "عنوان واحد سیاسی و حکومتی مستقل و دارای حاکمیت در نظام حقوق اساسی و بین الملل امروز تحت نام کشور به رسمیت شناخته شده است..." در معروفترین تعبیر از دولت-کشور گفته می شود: "جماعتی انسانی و مستقر در سرزمین مخصوص با سازمانی که برای گروه مورد نظر و در رابطه با اعضا دارای نیروی برتر فرماندهی و اجبار است". بنابراین سه عامل در تکمیل مفهوم دولت-کشور جایگاه اساسی دارد: "گروه انسانی یا جمعیت، سرزمین و قدرت عالی یا نیروی فرمانروایی" (آجرلو، طاهری، ۱۳۹۵: ۸).

۳،۲: دولت :

تعریف و مفهوم: دولت از پایدارترین هستی های (entity) زندگی اجتماعی و از تاثیر گذارترین نهادهای تاریخی به شمار می آید. اقتضای چنان جایگاه مهمی، [ارائه] تعریفی نسبتاً روشن، موجه و معتبر از دولت است که بتواند بنیاد پژوهش های مختلف در باره دولت باشد. به عبارت دیگر، موضع نظری روشن تر نسبت به نهادی که محور نظم اجتماعی است در کارآمدتر شدن آن اهمیت فوق العاد های خواهد داشت. ولی در ایران این عرصه وضعیت چندان مطلوبی ندارد و چپستی یا ماهیت دولت اگر هم موضوعیت پیدا کرده باشد عرصه تاملات نظری و مواضع روشن نبوده است. بنابراین اجماع چنانی بر سر تعریف دولت و الزامات چنان تعریفی به چشم نمی خورد (گل محمدی، ۱۳۹۴: ۵۸).

اهمیت چنین پژوهشی با ارزیابی کلان سیاستگذاری عمومی یا دولتی مرتبط است. سامان یابی نسبت دولت با حوزه های گوناگون زندگی اجتماعی، کم و بیش تابعی است از تعریف دولت. تعریفی که از دولت می پذیریم، نسبت دولت با دیگر نهادهای زندگی اجتماعی را تحت تاثیر قرار می دهد و هرگونه ابهام و تعارض در مورد چپستی دولت، به نحوی در نسبت دولت با جامعه

بازتاب می یابد و نتیجه آن تعارض در رابطه این دو نهاد خواهد بود [همان منبع: ۵۸]. با این توصیف به برخی از تعاریف موجود در متون علمی رشته های علوم سیاسی، حقوق و مدیریت اشاره می کنیم:

اول: در فلسفه و علم سیاست: «به طور اجمال [ناظر بر مجموعه ای مشخص از نهادهای سیاسی واجد اقتدار غیر انتزاعی و پایدار و دارای حق انحصاری به کارگیری قدرت مشروع برای اعمال حاکمیت بر مردم سرزمینی معین و معرف تمامیت سیاسی- اجتماعی آن کشور» (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۸: ۵۵).

دوم: در حوزه حقوق عمومی و علوم سیاسی: ۱. با توجه به نقش سه عامل مهم و اساسی؛ گروه انسان (جمعیت)، سرزمین و قدرت سیاسی (نیروی فرمانروایی) در تکوین مفهوم دولت می توان تعریف زیر را در معنای عام (state) ارائه داد:

بند ۱. "جامعه سیاسی سازمان یافته و نهاد بندی شده ای است که از سایر جوامع متمایز بوده و شخصیت مشخص و متمایزی از عناصر ترکیبی خود دارد. سایر نهادهای سیاسی از آن ناشی شده اند و در قالب این مفهوم وسیع جای دارند. قواعد حقوقی، نهادهای مختلف به ویژه نهادهای سیاسی و همچنین رژیم ها و... از عناصر ساختاری این جامعه سیاسی اند" (همان منبع: ۵۵).

بند ۲. "زمانی واژه «دولت» با مفهومی منطبق است که نهادهای قدرت و جبهه فرمانروایان (طبقه حاکم) را در برابر فرمانبران (شهروندان) نشان می دهد. در عبارت «در زمان انقلاب اسلامی مردم مسلمان ایران با دولت وقت به مبارزه پرداختند» منظور از یک سو حکومت شوندگان و از سوی دیگر سازمانهای قدرت و نهادهای سیاسی به طور کلی است. برای بیان این مفهوم از دولت-حکومت و کشور-حکومت (Etat Gouvernement) نیز استفاده می شود که در واقع تجسد خارجی دولت را تصویر می کند" (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۸: ۲۳۳) به بیانی ساده تر، «دولت» جامعه سیاسی سازمان یافته ای است که با سایر جوامع متفاوت است... و معنی عام دولت، تداعی کننده جامعه سیاسی، کشور و دولت-کشور است. یعنی وقتی گفته می شود، "دولت ایران به عضویت «سازمان بین المللی کار» درآمده است": منظور دولت در معنای عام آن است.

۲. در صورتیکه واژه استفاده شده در قانون اساسی شامل تمام ارکان و اجزای قوه مجریه شود، منظور از دولت در مفهوم «قوه مجریه عام» است و اگر مفهوم دولت شامل تمام ارکان و اجزای قوه مجریه نشود دولت به معنای «قوه مجریه خاص» می باشد.

بند ۱. با توجه به عناصر لازم و کافی دولت (زور، قلمرو، انحصار و مشروعیت) و عناصر تکمیلی آن (مانند بروکراسی، مالیات، ملت و ملیت، دموکراسی، شهروندی، نظام دولت ها) می توان دولت را بدین شرح تعریف کرد: "دولت به عنوان نهاد سیاسی خاص که مدعی نسبتاً موفق اعمال زور انحصاری مشروع در قلمرو معین است" (گل محمدی، ۱۳۹۴: ۷۷).

بند ۲. گاهی نیز مفهوم دولت، لایه سیاسی قوه مجریه و یا رده های فوقانی سیاسی نظیر نخست وزیر و هیئت وزیران است که حسب قانون نسبت به وظایف اجرایی، باید پاسخگوی اعمال خود در برابر نمایندگان مجلس باشند (همان منبع: ۵۵).

سوم: در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: علاوه بر مفاهیم بالا، قانون اساسی از واژه دولت برای بیان برخی مفاهیم دیگر مانند «کابینه» یا «هیئت وزیران» و «قوه قضائیه» نیز بهره برده است. «کابینه یا هیئت وزیران» در این معنا شامل نخست وزیر یا رئیس جمهور و همچنین سایر ارکان اجرایی قوه مجریه نمی شود و فقط منطبق بر هیئت وزیران به مثابه حیثیت مجموعی آن می شود. بدین ترتیب واژه «دولت» برای بیان پنج مفهوم مجزا به کار رفته است [که] هر کدام از این مفاهیم، دولت را در وضعیت و جایگاه خاص حقوقی قرار می دهد (نورایی، ۱۳۹۴: ۵).

۴،۲: حاکمیت و حکومت:

تعریف و مفهوم: «حاکمیت» و «حکومت» دو مفهوم بسیار نزدیک به قدرت سیاسی هستند و میتوان گفت که قدرت سیاسی به معنای قدرت عالی که مقوم دولت-کشور و پایه اساس مفاهیم حقوق اساسی است، در قالب دو اصطلاح «حاکمیت» و

«حکومت» بروز و ظهور می یابد. بدین ترتیب قدرت سیاسی را باید منشأ حاکمیت و حکومت، در بستر جامعه سیاسی دانست (همان منبع: ۸).

حاکمیت یک مفهوم انتزاعی...[و] عبارت است از؛ قدرت برتر فرماندهی در درون جامعه و قدرت استقلال و نفی وابستگی در بیرون آن که متعلق به بالاترین مرجع اقتدار است (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۲: ۲۳۰؛ به نقل از: آجرلو، طاهری، ۱۳۹۵: ۹). حکومت نیز به توان اجرایی و مجموعه اداری و سازمانی یک قدرت گفته می شود. حکومت که در واقع پدیدار شدن عینی حاکمیت در ارکان سیاسی یک دولت است، به مجموعه اشخاص و نهادهای یک حاکمیت که در قالب قوانین بنیادین و قانون اساسی به انجام کار ویژه های خود می پردازند، گفته می شود. لذا می توان ادعا نمود که هیچ حاکمیتی در عمل کارا نیست، مگر حکومت کارایی را طراحی کرده باشد (غمامی، ۱۳۹۰: ۷۲؛ به نقل از: آجرلو و طاهری، ۱۳۹۵: ۹).

۵.۲: اصل اقتدار :

تعریف و مفهوم: [از دیدگاه فلسفی] «اقتدار عمومی» را می توان مجموعه ای از توانایی ها، ساز و کارها، ابزارها و فنونی دانست که دولت ها برای تضمین اجرای هنجارهای حقوقی (قانون اساسی، قوانین عادی، قوانین سازمان دهنده، آیین نامه ها و عرف های حقوقی، تصمیم ها و اوامر اداری و...)، تأثیرگذاری بر رفتار شهروندان، تنظیم حدود و ثغور آزادی های فردی و گروهی، پاسداری از امنیت سرزمین و اشخاص، [اعمال مجازات] و بطور کلی تأمین سود عام به کار می گیرند (گرجی ازندریانی، ۱۳۹۰: ۲۰۸). «در حالت کلی اصل اقتدار را می توان خاستگاه اصل بنیادین حاکم بر روابط بازیگران عمومی با سایر اعضای جامعه، یعنی اصل سلسله مراتبی بودن دانست» (پروین، ۱۳۹۳: ۱۳۷). «اصل اقتدار یا صلاحیت زمامداری، به معنای اعمال قدرت سازمان یافته برای اداره جامعه است». اقتدار بر دو گونه است: اول: اقتدار سلسله مراتبی، که لازمه مدیریت اداری و دوم: اقتدار سازمانی، صلاحیت سازمان برای وضع قوانین و مقررات.

۶.۲: مشروعیت :

تعریف و مفهوم: مشروعیت سیاسی، فرآیندی است که در آن «قدرت» به «اقتدار» تبدیل می شود و قدرت سیاسی، خصلتی عقلانی می یابد؛ در نتیجه، رابطه ای اساسی میان «سلطه مشروع» و «مشروعیت سیاسی» وجود دارد. مشروعیت سیاسی را می توان به «باور جمعی اعضای درون یک نظام و حاکمیت سیاسی به وجود و استمرار نظام یا حاکمیت» تعریف نمود. «ماکس وبر»، جامعه شناس آلمانی، واژه مشروعیت نظام اجتماعی را در همین چارچوب تعریف می کند: "درجه اعتبار آن نظام در باور افرادی که در چارچوب نظام مزبور به کنش اجتماعی می پردازند" (خسروی، ۱۳۸۰: ۴۸). در تعریف دیگر: "مشروعیت را اغلب با معنای اعمال قدرت یا حق حکمرانی تعریف می کنند" (Coicaud, ۲۰۰۴، به نقل از: حسینی زاده، ۱۳۹۷: ۳۲۸). اگر دولتی را مشروع بدانیم در این صورت شهروندان مکلف به اطاعت از آن می شوند حاکم نیز از حق دستور دادن و اطاعت شدن برخوردار می شود. به همین جهت؛ مشروعیت را اخلاقی کردن اقتدار تعریف کرده اند (حسینی زاده، ۱۳۹۷: ۳۲۳ بر گرفته از: ۲۱: Parkinson, ۲۰۰۶). بنابر این؛ می توان مشروعیت را حق اخلاقی و انحصاری یک نهاد برای تحمیل تکالیف الزام آور بر گروه یا فرد و اجبار آنان به این تکلیف تعریف کرد (همان منبع: ۳۲۸، بر گرفته از: ۱: Simmons, ۲۰۰۱).

۷.۲: اصل حاکمیت قانون:

تعریف و مفهوم: شاید بتوان کامل ترین بیان مدرن از مفهوم «حاکمیت قانون» را مفهوم تبیین شده به وسیله دایسی (A.V. Dicey) دانست از نظر دایسی سه تعریف کلاسیک از حاکمیت قانون وجود دارد که عبارتند از: ۱- حکومت باید مطابق قواعد عام عمل کند؛ ۲- همه شهروندان در برابر قانون برابرند؛ ۳- اصول بنیادین قانون اساسی نتیجه تصمیمات قضایی مربوط به حقوق فردی بر مبنای قانون عرفی است " (شاه آبادی، جامه بزرگی، ۱۳۹۲: ۹). برقراری سیستم حکمرانی خوب نیازمند چهارچوب های قانونی عادلانه و منصفانه ای است که از ویژگی بی طرفانه برخوردار است. اجرای اینگونه قوانین در یک فضای بی طرفانه و مبتنی بر انعطاف، نیازمند دستگاه قضایی مستقل و نیروی پلیس بی طرف و عاری از فساد است. این که تا چه میزان قوانین در

یک جامعه واقعی هستند و می توان به اجرای آنها اطمینان داشت با این شاخص ارزیابی می شود. در این شاخص به ویژه کیفیت اجرای قراردادهای، عملکرد محاکم قضایی، و همچنین میزان احتمال جرم و خشونت در یک جامعه مد نظر است (همان منبع: ۱۰ و ۹). بر اساس اصل حاکمیت قانون، مقامات و نهادهای حاکم دولتی موظف به انجام وظایف خویش بر اساس قانون در یک جامعه دموکراتیک هستند. این چنین دولتی «دولت قانون مدار» با این پیام است که هیچ کس بالاتر از قانون نیست و اقدامات و تصمیمات خودسرانه ممنوع و مردود است (مرکز مالمیری، ۱۳۸۵: ۷) و ارزیابی هر نظام سیاسی و حقوقی با ملاک حاکمیت قانون مورد بررسی قرار می گیرد. به نوعی می توان مدعی شد که با مفاهیم مهم دیگری همچون اصل تفکیک قوا و دستور گرایی (قانون اساسی گرایی) و دیگر اصول مرتبط است (همان منبع: ۸ و ۷).

اصل قانون مداری (اصل حاکمیت قانون) در حقیقت ضمانت اجرای موثر اصل اقتدار است، [و دارای] ماهیت حق مدارانه یا تکلیفی است، دامنه گسترده صلاحیت های دولت و اقتدار آن چنانچه با تبیین حدودی مشخص برای آن همراه نگردد، به آثار و نتایج ویرانگری منجر خواهد شد که نخستین مورد از آنها استبداد و انحطاط نظام سیاسی است (پروین، ۱۳۹۳: ۱۳۷، ۱۳۸). یکی از اموری که حضرت علی (ع) به آن توجه جدی داشتند، قانون مدار بودن و اجرای قانون الهی به معنای واقعی کلمه بود. اگر کسی برخلاف قانون عمل می کرد، بدون در نظر گرفتن موقعیت و مقام وی، حدود الهی و قانونی را بر وی اجرا می کرد و هیچ واسطه و شفاعتی را نمی پذیرفت. ایشان در خطبه ۱۳۱ اهداف بلند خویش را از بدست گرفتن حکومت؛ گسترش معنویت، ایجاد امنیت و افزایش رفاه در جامعه، احقاق حق افراد ستم دیده و حاکمیت قانون، بیان می کند (شاه آبادی، جامعه بزرگی: ۱۳۹۲: ۱۰ و ۹).

۸،۲: اصل مسئولیت – پاسخگویی:

تعریف مفهومی:

اول: اصل مسئولیت: اصل مسئولیت را می توان به مفهوم لاتین رس پاندر (responder) به معنی پاسخ دادن، پیوند دادن، مسئولیت، تعهد یا تکلیفی است برای پاسخگویی در برابر اعمال یا فعالیت های انجام شده و پذیرش پیامد های حاصل از آنها (De VILLIERS, ۱۹۹۹). اصل مسئولیت به معنای نیابت و وکالت زمامداران از جامعه و لزوم پاسخگو بودن آنان به مردم و مسئولیت داشتن آنان در صورت تخلف است، که به سه شکل مسئولیت مدنی، کیفری و سیاسی جلوه گر می شود (آندره دو میشل و پی یر لالومی یر، ترجمه قاضی شریعت پناهی، ۱۳۷۶: ۳۳-۳۸). همان گونه که اصل «قانون مداری» ضمانت اجرای اصل «اقتدار دولت» به شمار می رود، اصل مسئولیت نیز نتیجه طبیعی پذیرش اصل قانون مداری است. نخستین مصداق این موضوع مسئولیت سیاسی دولت است که در قالب مواردی چون مسئولیت بخش اجرائی دولت در مقابل پارلمان معنا می یابد. در تبیین مصداق دیگر این بحث، مسئولیت اداری مورد توجه قرار خواهد گرفت (پروین، ۱۳۹۳: ۱۳۹، ۱۴۰). ...تقید زمامداران به پاسخگویی در برابر اعمال خویش می تواند خاستگاه و انگیزه اخلاقی نیز داشته باشد؛ اما در حوزه حقوق، الزام های اخلاقی محض مورد تضمین قرار نمی گیرند... بر اساس تعریف فوق، پاسخگویی و مسئولیت پذیری تمام عیار در برابر اعمال انجام شده مختص نظام های مردم سالار و دولت قانون مدار است (گرچی از ندریانی، ۱۳۹۰: ۲۱۹، ۲۱۸، ۲۰۸).

دوم: اصل پاسخ گویی: در علم مدیریت تعاریف مختلفی از این مفهوم صورت گرفته، برخی گفته اند که پاسخ گویی یعنی این که فرد سرزنش یا ستایش ناشی از اخذ یک تصمیم یا انجام یک اقدام را بپذیرد (هیوز، ترجمه؛ الوانی، ۱۳۸۸: ۲۸۴) به عبارت دیگر هر کس که به نام شخص یا گروهی عملی را انجام دهد، می بایست به همان شخص یا گروه نیز گزارش بدهد و یا به نوعی در برابر آنها مسئول باشد (همان منبع: ۱۷۹). در مفهوم عام، پاسخگویی به فرآیند هایی گفته می شود که شهروندان، حاکمان را برای رفتار و عملکرد شان مسئول می کنند. این امر که اغلب از راه انتخابات انجام می شود به نمایندگان مردم در مجالس مقننه اختیار می دهد که مدیران سیاسی و کارکنان دولتی را از راه ساز و کارهای نظارتی و ممیزی پاسخگو [نمایند]. مدیران سیاسی نیز ماموران فرودست خود را از راه سلسله مراتب اختیار و مسئولیت، هم چنین دادگاه ها و محاکم اداری نیز مجریان را در برابر

قانون پاسخگو نگه [می] دارند (۲۰۰۴ Aucoin, Heintzman؛ به نقل از مقاله: مقدسین، ۱۳۹۷: ۹۷) ... نظارت، زمینه پاسخگویی را در عمل فراهم می کند. بر این اساس، باید میان دو مفهوم نظارت و پاسخگویی قائل به رابطه "تضایف" شد، به این معنا که هر جا نظارت وجود دارد، پاسخگویی هست و هر جا پاسخگویی هست، نظارت موجود است. نقش مقدمه بودن نظارت برای پاسخگویی به گونه ای است که اصولاً اعمال نظارت در عرصه سیاست و اجتماع، در پی مسئولیت پذیر شدن صاحب منصبان و پاسخگویی آنهاست (اخوان کاظمی، ۱۳۸۹: ۱-۲۲).

۹.۲: شفافیت:

تعریف مفهومی: شفافیت یعنی این که تصمیمات و اجرای آنها در مسیر پیروی از قوانین و مقررات، صورت بگیرد. همچنین اطلاعات برای کسانی که از تصمیمات و اجرای آنها تاثیر می پذیرند آزادانه و به طور مستقیم قابل دسترس باشد و نیز اطلاعات کافی در رسانه ها و به شکلهای قابل فهم، مهیا باشد (کمالی، ۱۳۸۸: ۲). شفافیت نیز در کنار پاسخگویی از عناصر اصلی حکمرانی خوب است (هداوند، ۱۳۸۴: ۸۰).

۱۰.۲: اصل تفکیک قوا:

تعریف و مفهوم: موضوع محوری نظریه تفکیک قوا، «قدرت» و «کنترل» آن است. هر چند روشهای مختلفی برای کنترل قدرت در نظام های حقوقی پیش بینی شده اند که از مهمترین آنها تعادل قوا، فدرالی کردن حکومت یا تفکیک عمودی، انتخاب مقامات حکومتی از طریق انتخابات، موقتی بودن دوره تصدی مقامات، لزوم پاسخگویی مقامات سیاسی و کنترل قضایی است (Carol, ۱۹۹۳: px)، اما متداولترین روش که امروزه به اصلی در عرصه حقوق اساسی نیز تبدیل شده است، تفکیک قواست، از جمله نظریات مشهوری است که در حوزه اندیشه سیاسی، مورد پردازش قرار گرفته است (بوشهری، ۱۳۸۴: ۷۹). دلیل اصلی و عمده طرح بحث تفکیک قوا نیز محدود کردن قدرت سیاسی و حاکمیت است که به این طریق جلوی خودکامگی آن را گرفته و با باز توزیع قدرت، آن را میان قوای سه گانه توزیع کرده و در نتیجه زمینه های خودکامگی را از بین ببرد (منتسکیو، ۱۳۷۰: ۳۹۶ و ۳۹۷).

۱۱.۲: نظارت و کنترل:

تعریف و مفهوم: بطور خلاصه نظارت در مفهوم حقوقی عبارت است از؛ بازرسی و سنجش و ارزیابی اقدامات مجریان و ناظر کسی است که به منظور انجام چنین بازرسی و ارزیابی و سنجش تعیین می شود (عمید زنجانی، ۱۳۸۴: ۵۳۹). «نوبرت واینر (Nobert Wiener)» یکی از معروف ترین صاحب نظران مدیریت، نظارت را چنین تعریف می کند: "نظارت چیزی نیست جز ارسال پیام هایی که به طور موثر رفتار گیرنده پیام را تغییر می دهد" (موسی خانی، ۱۳۸۰: ۴۲۱).

به نظر «استونر (J.a.stoner)»، کنترل عبارت است از: "فعالیتی منظم که ضمن آن نتایج مورد انتظار در قالب استانداردهای انجام عملیات، معین می شوند. سیستم دریافت عملیات طراحی می گردد، عملیات پیش بینی شده و انجام شده با هم مقایسه می گردند، اختلافات و انحرافات مشاهده شده ارزیابی و میزان اهمیت آنها مشخص می شوند و سرانجام اصلاحات لازم برای تحقق هدف ها و ماموریت های سازمان انجام می گیرند" (همان منبع: ۴۲۱). اصطلاحات «کنترل» و «نظارت» معمولاً بطور مترادف به کار گرفته می شود. این دو اصطلاح دارای معانی متفاوتی هستند، ولی کاملاً به هم مربوط و وابسته هستند. تعریف اول از دو قسمت تشکیل شده است: قسمت اول؛ کسب اطلاعات از طریق مشاهده و بررسی وضع موجود و تعیین پیشرفت کارها در مقایسه با وضع مطلوب است که نظارت نامیده می شود و قسمت دوم؛ به معنی بازگرداندن سیستم به شکل درست و مطلوب آن از طریق کار های تصحیح کننده که یک عملیات و اجرایی است (کنترل). هدف غایی در تعریف دوم تاثیر مثبت بر

رفتار(عملکرد) سیستم است. با عنایت به مطالعات صورت گرفته: «نظارت» امری «پژوهشی» و «مشاهده ای» است و مقدم بر کنترل و «کنترل» مقوله ای «فرآیندی، عملیاتی و اجرایی» برای بازگشت به استاندارد های از پیش تعیین شده است.

۱۲،۲: سیستم(system):

تعریف و مفهوم: در لغت به معنای دستگاه، نظام، قاعده و حکومت می باشد. ولی آنچه بیشتر در استعمالات رایج شده است ترجمه «سیستم» به «نظام» است(حق شناس و همکاران، ۱۳۸۳). به نظر [لودویگ ون برتالنفی(Ludwig von Bertalanffy)] پدر علم سیستم ها، اساسی ترین ویژگی موجودات، در «سازمان تشکیل دهنده» آنان است و برای بررسی آنها نباید تنها به بررسی یک جزء یا یک فرآیند از آنها اکتفا کرد بلکه بایستی سیستم در کلیت وجودیش مورد بررسی قرار گیرد. یک ارگانیسم صرفاً مجموع عناصر جداگانه نیست بلکه «سیستمی» است که دارای نظام و کلیت می باشد(موسوی، ۱۳۹۱: ۹). دریک تعریف اشاره شده است که: "سیستم به عنوان واحد حیاتی کل نگر، کل پیچیده ای است که کارکرد آن به اجزاء و تعامل بین آنها بستگی دارد"(جکسون، ۱۳۹۵: ۲۱) و در آخر اینکه: "[سیستم] مجموعه ای از اجزای پیوسته یا به هم وابسته که به علت وابستگی حاکم بر اجزای خود کلیت جدید را احراز کرده، از نظم و سازمان خاصی پیروی می کنند و در جهت تحقق هدف معینی که دلیل وجودی آن است فعالیت می کنند" (موسوی، ۱۳۹۱: ۹).

نگرش سیستمی نگرشی کل نگر از سیستم است که می توان تصویری یکپارچه و منسجم از محیط و سیستم پیدا و جهت مناسب سازمان را تعیین کرد. در این نگرش برای شناخت یک مجموعه به جای اینکه آن مجموعه به اجزاء و عناصرش تجزیه شود، آن را جزئی از کل بزرگ تر در نظر گرفته و با توجه به نقشی که کل بزرگ تر ایفا می کند، به شناخت آن پرداخته می شود. [لذا] مشاهده کل، نیازمند درک همزمان ساختار، عملکرد و فرآیند همراه با محیط است، نگرش سیستمی؛ ساختار، اجزاء و روابط آنها را تعیین می کند، عملکرد و نتایج کار را مشخص می کند، فرآیند، چگونگی عملکرد ساختار را توضیح می دهد و بستر و محیط منحصر به فردی را تعریف می کند که سیستم در آن جای گرفته است(مرعشی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۷). فقدان...تفکر سیستمی، باعث می شود گاه تصمیمات، اثرات یکدیگر را خنثی کنند و یک پدیده اصلاحی به ضد خود تبدیل و موجب فساد و اختلال گردد(انجمن فارغ التحصیلان مدیریت دولتی، ۱۳۸۹: ۵۵، نقل از: ریاحی، نصرتی، ۱۳۹۶: ۷۴).

۱۳،۲: سازمان :

تعریف و مفهوم و رابطه آن با نگرش سیستمی: در خصوص سازمان تعاریف گوناگونی ارائه شده است؛ در یک تعریف : "سازمان، نهادی اجتماعی هدفمند و سیستمی است که به سبب داشتن ساختاری آگاهانه، فعالیت های ویژه ای انجام می دهد و مرز های معینی دارد"(دفت، ریچارد ال، ۱۹۹۸-۱۳۷۷، ترجمه: پارسائیان و اعرابی: ۷ و ۱۶: نقل از پایان نامه: گنجی، ۹۴: ۱۱).

سازمان را می توان به عنوان مفهوم اصلی نگرش سیستمی تلقی کرد. سازمان به معنای سلسله ای از روابط بین عناصر یا اشخاص است که یک واحد وجودی جدید را به وجود می آورد. سازمان یکی از جنبه های اساسی هر سیستم است که، خود نیز دارای دو جنبه «ساختاری» و «کارکردی» می باشد.[این نگرش]، سازمان به عنوان مجموعه یا سیستم واحد هدفمندی می نگرد که از اجزاء مرتبط به یکدیگر تشکیل شده است. در این نگرش، همه چیز را باید به صورت یک کل و نه یک جزء در نظر گرفت و با مدنظر قرار دادن همه قسمت ها و تعاملات داخل و خارجی آن کل، در مورد آن اقدام و تصمیم گیری نمود. سازمانها و به ویژه نهاد دولت که به نوعی بزرگترین سازمان محسوب می شود، جزء سیستم های اجتماعی، دارای سیستم باز و پیچیده و دارای سیستم های اصلی و فرعی، مکانیکی و بعضاً ارگانیکی هستند و همگی دارای سازمان هستند (موسوی، ۱۳۹۱: ۳۱ و ۳۲ و ۳۸).

۱۴،۱: نظام اداری و نقش آن در نظام سیاسی:

الف: تعریف و مفهوم: نظام اداری هر کشوری به مثابه "سازمان تنظیم کننده فعالیت ها برای نیل به اهداف عالی کشور است که ضمن ایجاد هماهنگی بین بخش های مختلف، بستر مناسبی را برای حل مسائل و مشکلات مردم و تسهیل جریان امور عمومی فراهم می کند" (مشبکی اصفهانی، جمالی، ۱۳۸۹، به نقل از: ریاحی، نصرتی، ۱۳۹۶: ۶۹). در تعریف دیگر؛ "به ساختار و روابط بین واحد ها و هم به گروهی از افراد که گرد هم می آیند تا سیاست ها و خط مشی های مشترکی را به کار گیرند و برای دست یابی به هدف های مشترک می کوشند اطلاق می شود" (عابد جعفری؛ کیمیایی، ۱۳۷۶: ۳۷۴؛ نقل از: همان منبع، ۱۳۹۶: ۶۹).

ب: نظام اداری و نقش آن در نظام سیاسی: نظام اداری هر حکومتی مبین نگرش حاکمیت و دولت به نحوه اداره و مدیریت آن فرهنگ و تأثیر آن در تحقق اهداف نظام های کلان جامعه به اندازه ای تعیین کننده است که بدون طراحی یک نظام اداری منطقی و کارآمد، دستیابی به اهداف مزبور عملی نیست (اکبری، کوکبی سقس، محمودی، عرب، ۱۳۸۶: ۱). در واقع نظام اداری به منزله بازوی اجرایی نظام سیاسی هر جامعه است، که کارکرد های درست آن می تواند پویایی و بالندگی نظام، ضعف و عملکردهای نادرست آن موجب بدبینی، سلب مشروعیت و بعضاً فروپاشی نظام حاکم شود (معمار زاده طهران، نجفی، ۱۳۹۶: ۴۲). نظام اداری و تحولات آن تحت تأثیر نظام سیاسی و فضای باز و بسته سیاسی آن کشور قرار دارند. در صورتیکه هدف تحول اداری عبارت است از: «انطباق توانمندی ها و قابلیت های نظام اداری با نقش یک دولت مطلوب و ایده آل»، این امر [مستلزم آن است که] ابتدا توسعه نهادهای سیاسی را بر توسعه اقتصادی و اداری مقدم بدانیم و اصلاحات سیاسی را حداقل همزمان با تحولات اداری در دستور کار دولت قرار دهیم (عسگری ساجدی، ۱۳۸۴: ۴۳، ۵۹ و ۶۰؛ نقل از: معمارزاده طهران، نجفی، ۱۳۹۶: ۴۲).

۱۵،۲: ساختار نظام اداری و ساختار سازمانی:

الف: تعریف و ویژگی های ساختار: ساختار به عنوان "مجموعه همبسته ای از نقش ها، گروه ها، هنجارها و ارزش ها و نهادهایی که کنش های خاصی را تجویز، تحریم، تشویق و یا تقبیح می کنند" تعریف می شود (چیلکوت، ۱۳۹۱: ۲۷۷؛ به نقل از: قیصری، قربانی، ۱۳۹۴: ۱۳۸). مهمترین ویژگی های ساختارها عبارتند از: ۱. ساختارها متناسب و مبتنی بر ایده ها می باشند ۲. ساختارها برای تأمین اهدافی ایجاد می شوند ۳. محدودیت ها یا فراخانهای برای فعالیت کارگزاران تعیین می کنند. منظور از ساختارها در اینجا صرفاً ساختارهای مادی نیست، بلکه ساختارهای حقوقی - قانونی نیز به اندازه ساختارهای مادی اهمیت دارند (های، ۱۳۸۵: ۵۱ و مشیر زاده، ۱۳۹۲: ۳۳۴، به نقل از: همان منبع: ۱۳۸).

ب: ساختار نظام اداری: [بر اساس یک تعریف] «ساختار» مجموعه راه هایی [است] که از طرق آن فعالیت ها به وظیفه های شناخته شده تقسیم و میان وظیفه ها هماهنگی ایجاد می شود (مینتز برگ، ترجمه فقیهی، وزیري سابق، ۱۳۸۸: ۳، نقل از: ریاحی، نصرتی، ۱۳۹۶: ۷۱).

ج: ساختار سازمانی: اندیشمندان مختلف، ساختار سازمان را از ابعاد گوناگون مورد توجه قرار داده و تعاریف متعددی بر آن ارائه نموده اند. «Griffin» و «Barney» "ساختار سازمانی را چار چوب روابط حاکم بر وظایف، سیستم ها و فرآیند های عملیاتی و افراد و گروه هایی که برای نیل به اهداف سازمان تلاش می کنند، می دانند" (Barney, Griffin, ۱۹۹۲) به نقل از: رئیسون، عباس عباسپور، رحیمیان، خورسندی طاسکوه، برزویان شیروان، ۱۳۹۷: ۷۰، امیر کبیری، ۱۳۷۴: ۲۵). و در آخر اینکه؛ ساختار سازمان تصریح می کند که وظایف چگونه تخصیص داده شوند، چه شخصی به چه کسی گزارش دهد و سازوکارهای هماهنگی رسمی و همچنین الگوهای تعاملی که باید رعایت شوند کدامند؟ (رایبیز، ترجمه: الوانی و دانائی فرد، ۱۳۷۸ و رایبیز، ترجمه: پارسائیان و اعرابی، ۱۳۷۷؛ به نقل از: گنجی، ۱۳۹۴: ۶).

۱۶،۲: کارآمدی (Efficiency):

الف: تعریف مفهومی: کارآمدی از نظر لغوی به «مفید بودن» به «کارآمدن» و «خدمت کردن» معنا شده است. از نظر اصطلاحی مترادف با اثربخشی و کارایی در علوم اقتصادی، مدیریت، علوم سیاسی و در رشته های وابسته مورد استفاده قرار گرفته است. به لحاظ مفهومی؛ بررسی و تحلیل کارآمدی باید به گونه ای باشد که علاوه بر ابعاد نوعی کارآمدی، توانائی بازنمائی ویژگی های ارزشی و هنجاری خاص نظام های حقوقی و سیاسی را نیز داشته باشد. به بیان دیگر، کارآمدی، به موجودیت و هستی نظام به مثابه یک کل ارجاع داده می شود که ضابطه های تعیین آن اصطلاحاً درون سیستمی نیستند، بلکه از بیرون از سیستم تعیین می شوند. با این توصیف ترجیحات، نیازها و خواسته های مؤسسان یا کاربران سیستم است که آن را کارآمد یا ناکارآمد می سازد و نه فقط توانمندی هایی که یک سیستم به تنهایی دارای آنست. در حقیقت نظام های سیاسی- حقوقی و اجزاء تشکیل دهنده آن در صورتی کارآمد ارزیابی می شود که علاوه بر موفقیت در تحقق اهداف یا فلسفه وجودی شان، موفق به کسب حداکثر رضایت مردمی با حفظ اصول، ارزش ها و آرمان های خود در شرایط متغیر و پیچیده زمانی و مکانی شوند (قاسمی، ۱۳۸۹: ۱۵۷ و ۱۵۹؛ کلانتری، ۱۳۹۳: ۴۸۱ و ۴۶۵؛ لاریجانی، ۱۳۷۴: ۵۸، ۷۷، ۸۰؛ لاریجانی، ۳۳، ۳۶، ۵۸، ۵۹، ۸۸، ۸۰، ۹۰، ۹۳؛ ذوعلم، ۱۳۸۷: ۱۱۶ و ۱۲۶).

[مقام معظم رهبری فرمودند]: "یکی از مفاهیم کلیدی در ارزیابی نظام های سیاسی، مفهوم «کارآمدی» است... در اهمیت این مفهوم همین بس که بعضی از آن به «مشروعیت ثانویه تعبیر» می کنند؛ لذا هر جا کارآمدی نباشد، مشروعیت از بین خواهد رفت" (موسوی، واعظی، ۱۳۹۲: ۸).

تعاریفی برای "کارآمدی" بشرح ذیل ارائه شده است:

۱. "انجام اقداماتی است که از آن راه بیشترین بازده و بهره را با کمترین کوشش، رنج و خشونت بتوان بدست آورد" (ابوالحمد، ۱۳۷۰: ۲۴۷).

۲. در فرهنگ اقتصادی، کارآمدی و کارایی، مترادف گرفته و چنین تعریف شده است:

"استفاده مطلوب از منابع یا عوامل تولید یا قابلیت و توانایی رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده" (گلریز، ۱۳۸۶: ۱۷۱).

۳. "کارآمدی در یک نظام سیاسی همانا توانایی رسیدن به اهدافی است که متناسب با امکانات کشور به مردم وعده داده شده و سطح کیفی دستیابی به آرمان ها را در یک نظام مردم سالار دینی و اسلامی، استاندارد های اسلامی تعیین می کند" (دارا، خاکی، ۱۳۹۶: ۲۰۶).

۴. "تحقق عینی یا توان سیستم در تحقق کارکرد های یک حکومت" (در ادبیات سیاسی) (لیپست، ۱۳۷۴: ۱۰).

ب: رابطه مفهوم کارآمدی، کارایی، اثر بخشی و بهره وری: با توجه به تعاریف «کارایی» و «اثر بخشی»، در تعریف کارآمدی ابهامات زیادی در بین موافقان به چشم می خورد؛ برخی آن را با واژه کارایی مترادف گرفته اند و برخی با واژه اثر بخشی (معینی، ۱۳۷۰: ۱۵۶ و ابطی، ۱۳۷۴: ۱۳۱؛ به نقل از: موسوی، ۱۳۹۲: ۱۰). درحالی که تعریف «کارآمدی» به یکی از دو مفهوم فوق خطای منطقی «ایهام جمع» است... در اینجا نیز کارآمدی یا به معنای «کارایی» یا به معنای «اثر بخشی» نیست؛ بلکه به معنای هر دو است؛ لذا کارآمدی معادل بهره وری خواهد بود (همان منبع: ۱۰). [کارآمدی] به فهم سه واژه "کارایی"، "اثر بخشی" و «بهره وری» بستگی دارد. «کارایی» به معنای درست انجام دادن وظیفه است. و به نسبت ستاده به داده ای که برای رسیدن به آن نیاز است، اشاره دارد. میزان دست یابی به اهداف از پیش تعیین شده را «اثر بخشی» گویند؛ در واقع اثر بخشی انجام دادن کارهای درست است و کارایی درست انجام دادن کار؛ اگر چه برخی این دو را به نادرستی مترادف دانسته اند (گلریز، ۱۳۸۶: ۱۷۱). درضمن شایع ترین تعریف از بهره وری تعریفی است که دو مفهوم «کارایی» و «اثر بخشی» را در بر می گیرد؛ لذا می توان بهره وری را به درست انجام دادن کار درست تعریف کرد (همان منبع: ۹).

۱۷,۲: کارآمدی نظام (سیستم) سیاسی :

الف: تعریف نظام سیاسی: ۱. «آلموند» نظام سیاسی را به عنوان «نظام کنشهای متقابلی تعریف می‌کند که در همه جامعه‌های مستقل یافت می‌شود و هر جامعه‌ای از طریق آن، کارکردهای یگانگی و سازگاری را با به کارگیری، یا تهدید به استعمال کمتر یا بیشتر زور و اجبار مشروع انجام می‌دهد. این نظام شامل نه فقط مقننه و مجریه، دستگاههای اداری، احزاب و گروههای ذینفع، بلکه گروههای منزلت طبقاتی و دودمانی و پدیده‌هایی نظیر شورشها و تظاهرات است (منبع: شبکه ملی مدارس: ROSHD.IR).

۲. مقصود از نظام سیاسی، «دولت و حکومت به معنای عام» است. دولت به معنای عام «سازمان قدرت» به حساب می‌آید. این سازمان تشکیل شده است از افراد، که معمولاً با عنوان حاکمان و رهبران از آنها یاد می‌کنیم و نهادها که هر کدام کارویژه‌های تعریف شده مربوط به خودشان را انجام می‌دهند (لک زایی، ۱۳۸۷: ۱۳۰-۱۳۱؛ برگرفته از: سایت: Porseman.com).

ب: تعریف مفهومی: کارآمدی یک حکومت و سیستم یا نظام سیاسی را می‌توان این گونه تعریف کرد که: "اگر حکومتی با کمترین هزینه به اهداف از پیش تعیین شده خود برسد (بهره‌ور باشد)، [دارای وصف] کارآمدی می‌شود" (همان منبع: ۱۱). یا بنا به تعریف دیگر: "به معنای توفیق در انجام وظایف محوله توأم با اثربخشی نظام سیاسی، به نحوی که در نهایت به اهداف کوتاه مدت و دراز مدتی که در قانون اساسی، سیاست‌های کلی، قوانین برنامه پنج ساله و دیگر قوانین معین شده است دست یابد و حداکثر رضایت مردمی را بر اساس ارزشها و هنجارهای قانونی و شرعی جلب نماید" (دریافت‌های پژوهشگر از مطالعات).

۱۸,۲: سیاستگذاری عمومی:

تعریف و مفهوم: در زبان انگلیسی دو واژه «Politic» و «Policy»، اولی به مفهوم علوم سیاست (چه نبرد قدرت و چه علم دولت) و دیگری به مفهوم یک «سیاست ویژه»، اما در زبان فرانسه برای هر دو مفهوم فوق، واژه «Politique» به کار می‌رود.

واژه «policy» که در زبان فارسی به «سیاست» و «خط مشی» معنا شده است، وقتی در کنار واژه «public» به معنای «عمومی» قرار گیرد، شاخه‌ای از دانش را با عنوان «علم دولت» در عمل تشکیل می‌دهد که برخی آن را زیر مجموعه علم سیاست و برخی نیز علمی مستقل قلمداد می‌کنند (ملک محمدی، ۱۳۸۳: ۱۷؛ وردی نژاد، رشتیانی، ۱۳۹۴: ۸۱). طبق تعریف ویکرز (S.G.Vickers) "سیاست‌ها؛ اصولی هستند که به تصمیم‌ها و اقدام‌ها و فعالیت‌های سازمان‌های عمومی جهت می‌دهند و آنها را در مسیر تحقق اهداف تنظیم می‌نمایند". آندرسون (J.Anderson) نیز سیاست را "مجموعه فعالیت‌های هدفداری می‌داند که فرد یا گروهی از افراد برای حل مشکل یا مسئله به عمل می‌آورند" (الوانی، شریف زاده، ۱۳۹۲: ۵۴).

این سیاستگذاری در حوزه دولتی در دو سطح اتفاق می‌افتد: سطح زیر سیستم‌ها و سطح بالای حکومت ملی. سیاستگذاری در سطح زیر سیستم‌های حکومت ملی، شامل رویه‌ها و سیاست‌هایی است که ایجادگر تداوم خط مشی سیاسی اند... سیاستگذاری در سطوح بالای حکومت ملی، شامل رویه‌ها و سیاست‌هایی است که می‌تواند حرکتی قابل توجه را در جهت سیاست‌های گذشته به وجود آورد یا اینکه آن‌ها را تغییر دهد (Rabin, ۲۰۰۳, ۹۲۱؛ به نقل از: عطار، خواجه نایینی، ۱۳۹۴: ۳ و ۲).

در تمامی نظام‌های سیاسی حداقل دو فرهنگ سیاسی «نخبگان» و «توده‌ها» وجود دارد: فرهنگ سیاسی نخبگان با ایستارها، احساسات و الگوهای رفتاری کسانی سر و کار دارد که... بر روندادهای نظام تاثیر مستقیم دارند. در مقابل، فرهنگ سیاسی توده‌ها از ایستارها و سمت‌گیری مردم به عنوان یک کل در قبال سیاست تشکیل می‌شود (پای، ۱۶۱: ۱۳۷۹ و ۱۶۲ به نقل از: عطار، خواجه نایینی، ۱۳۹۴: ۱۰). فرهنگ و نگرش سیاسی نخبگان و گروه‌های حاکم در ایران به سبب ایجاد یا باز تولید ساختارهای

دولت تاثیر گذار هستند... و تحلیل فرهنگ سیاسی حاکم بر این نخبگان، در شناخت علل استقرار نوع خاصی از رابطه میان آن ها در قالب رابطه میان نهاد ها و قوا در فرآیند سیاستگذاری، واجد اهمیت زیادی است (عطار، خواجه نایینی، ۱۳۹۴: ۱۰).

۱۹,۲: فرهنگ سیاسی :

تعریف و مفهوم : عبارت است از: "یک توزیع خاص از مواضع سیاسی، ارزش ها، احساسات، اطلاعات و مهارت ها. به همان روشی که نگرش های افراد بر آنچه انجام می دهند، تأثیری گذارد، فرهنگ سیاسی یک ملت بر رفتار شهروندان و رهبران آن در سراسر نظام سیاسی تأثیر می گذارد" (Almond, Pawell, ۳۹: ۱۹۹۲). نقل از: حشمت زاده، حاجی یوسفی، طالبی، ۱۳۹۶: ۶). بر اساس برداشت های «آلموند» و «پاول»، فرهنگ سیاسی عبارت است از: "مجموعه طرز تلقی های پدیدار، پندارها و احساسات موجود درباره حساسیت های جاری در یک جامعه است". فرهنگ سیاسی معمولاً متأثر از تاریخ و روندهای موجود اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هر جامعه است. الگوهای ایستاری که در نتیجه تجربیات گذشته شکل گرفته و دارای نقش و تأثیرات تضییق کننده ای بر فرآیند رفتار سیاسی نظام است (سیف زاده، ۱۳۷۳: ۹۰، نقل از همان منبع: ۶).

۲۰,۲: حکمرانی و حکمرانی خوب (Good Governance):

معنای لغوی، تعریف و مفهوم: «حکمرانی»، واژه جدیدی است که در رابطه با «واژه دولت» معنا و مفهوم پیدا می کند. و با عنوان "فعالیت، شیوه عمل یا قدرت حکمراندن دولت معنی شده است" (هریتیچ ۲۰۰۲) و در فرهنگ لغت انگلیسی (اکسفورد، ۲۰۱۰) حکمرانی فعالیت یا روش حکمراندن، اعمال نظارت یا قدرت بر فعالیت های تحت سیطره حاکمیت مبتنی بر قوانین و مقررات تعریف شده است (ناظمی اردکانی، ۱۳۹۱: ۶۶؛ بردبار، ضرابی زاده، صالحی، ۱۳۹۴: ۱۲). در بیشتر فرهنگ های لغت، حکمرانی را اعمال «اقتدار» در مدیریت سازمان، مؤسسه یا دولت و حتی در سطح جهانی مطرح کرده اند. مفهوم حکمرانی همانند حکومت می تواند خوب یا بد باشد که خوب یا بد بودن بر اساس ویژگی های آن شناخته می شود که حاصل تجمع دیدگاه های برخی از نهاد های بین المللی است (Lyon, ۲۰۰۰: ۵۹). نقل از: بردبار، ضرابی زاده، صالحی، ۱۳۹۴: ۱۱). برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) حکمرانی را اعمال اقتدار اداری، سیاسی و اقتصادی در مدیریت هر کشور در تمامی سطوح آن می داند و دستگاهی که مسئولیت اعمال حکمرانی را بر عهده دارد، حکومت می گویند (Weiss, ۲۰۰۰: ۷۹۵-۸۱۵، نقل از همان منبع، ۱۳۹۴: ۱۱).

حکمرانی می تواند متمرکز بر گستره وسیعی، از دولت ها گرفته تا سازمان های رسمی و غیررسمی، و طایفه ها و خانواده ها باشد؛ و از طریق گستره وسیعی از ابزارها، شامل قوانین، هنجارها یا قدرت پیاده شود (M. Bevir, ۲۰۱۳)؛ برگرفته از: وکی پدیا دانشنامه آزاد (<https://fa.wikipedia.org>). هدف حکمرانی می تواند خلق، تقویت یا باز تولید هنجارها یا نهادهای اجتماعی باشد. بسته به درجه رسمیت حکمرانی، گستره شیوه ها، انگیزه ها و نتایج آن نیز می تواند گسترده باشد (M. Hufty, ۲۰۱۱، برگرفته از: همان منبع). از میان موجودیت ها و نهادهای مختلفی که می توانند حکمرانی کنند، رسمی ترین آن ها دولت ها هستند که یگانه مسئولیت آن ها تصمیم گیری در یک گستره مرزی سیاسی، توسط تثبیت قوانین است؛ البته بازیگرانی که قدرت تصمیم گیری ندارند نیز (مانند گروه های لابی، احزاب و رسانه ها) می توانند از مجرا های گوناگونی در این فرآیند ایفای نقش کنند (وکی پدیا دانشنامه آزاد: <https://fa.wikipedia.org>).

تعریفی از حکمرانی که بانک جهانی، سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه و برنامه ی توسعه ملل متحد بر آن اتفاق نظر دارند، "حکمرانی را سیستم پیچیده ای از تعاملات بین ساختار ها، سنت ها، کارکرد ها (مسئولیت ها) و فرآیند ها (عملکرد ها) که به وسیله سه ارزش کلیدی پاسخگویی، شفافیت و مشارکت مشخص می شود، تعریف می کند (U.N.D.P: ۱۹، دباغ، نفری، ۱۳۸۸: ۴).

برنامه توسعه سازمان ملل متحد، حکمرانی خوب را این گونه تعریف نموده است: «حکمرانی خوب کوششی است در جهت حاکمیت قانون، شفافیت، مسئولیت پذیری، مشارکت، برابری، کارایی، اثربخشی، پاسخگویی و دیدگاه استراتژیک در اعمال اقتدار سیاسی، اقتصادی و اداری» (Punyaratabandhu Suchitra, ۲۰۰۴, دباغ، نفری، ۱۳۸۸: ۵).

انستیتو تکنولوژی توکیو حکمرانی را چنین تعریف می کند: «مفهوم حکمرانی به مجموعه پیچیده ای از ارزش ها، هنجارها، فرآیندها و نهادهایی اطلاق می شود که به وسیله آنها جامعه به طور رسمی و غیر رسمی به اداره فرآیند توسعه و رفع تعارضات می پردازد. حکمرانی مستلزم حکومت، جامعه مدنی (فعالان اجتماعی و اقتصادی، نهادهای جامعه محور و گروه های ساختار نیافته، رسانه ها و غیره) می شود که در تمام سطوح، محلی، ملی، منطقه ای و جهانی معنا می یابد» (Doornbos, ۲۰۰۳, ۱۷-۳, دباغ، نفری، ۱۳۸۸: ۴). در واقع جدال هایی که درباره [تعریف و] شاخص های حکمرانی خوب وجود دارد، از نوع ایدئولوژی-بومی است. آنچه که برای ارزیابی حکمرانی انتخاب می شود بر اساس نوع اداره عمومی و چارچوب های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی... کشورها است (دباغ، نفری، ۱۳۸۸: ۶).

ج: چستی حکمرانی: حکمرانی بر جنبه های رسمی و غیررسمی اعمال حاکمیت، دلالت دارد. از این رو حاکمیت برای پیاده سازی نظریه حکومت که در آن چستی و چرایی حکومت تبیین می شود و با به کارگیری نقش آفرینان نقش های مختلف و ابزارها [یا کارکرد های] سیاست گذاری، تنظیم گری و [تسهیل گری] به اعمال حکمرانی می پردازد (سلیمی، ۱۳۹۷: ۱).

۲۱،۲: حکمرانی با رویکرد دینی-اسلامی:

تعریف و مفهوم: منظور از «حکمرانی اسلامی» شیوه حکومتی است که در آن ابعاد روابط بین حکومت و مردم، تعامل اجزای تشکیل دهنده حکومت و رابطه آن با سایر حکومت ها، در اهداف و سیاست ها، قوانین و خط مشی ها، برنامه ریزی و اجرا و نظارت و ارزیابی بر اساس مبانی، اصول و روش های اسلامی تنظیم می گردد» (رضائی، دهقانی، کیانپور، ۱۳۹۰: ۲). در این چارچوب، تشکیلات اداری که با نرم افزار حکمرانی اسلامی به ساماندهی امور عمومی مردم می پردازد «دولت معیار» نامیده می شود. نظریه مردم سالاری دینی به عنوان اصل موضوعه برای طراحی الگوی حکمرانی اسلامی [مطرح است] (همان منبع: ۲). بر اساس تعریف فوق، هدف حکمرانی اسلامی را می توان زمینه سازی برای توسعه و تعمیق عقلانیت تهذیب یافته، اخلاق و معنویت گرایی دینی و رشد، تعالی و سعادت انسان دانست. بنابراین، الگوی حکمرانی اسلامی به عنوان بدیل برتر مدل حکمرانی خوب می باشد (همان منبع: ۲). حکمرانی در آموزه های قرآنی معنا و مفهومی فراتر از مفهوم متعارف در علوم سیاسی دارد. «حکمرانی» هر چند به معنای «فرآیند به کارگیری سیاست ها و تصمیم گیریها از سوی مقامات رسمی در دستگاه سیاسی است»، لیکن در مفهوم قرآنی با کاربرد های ویژه ای همچون، خلافت و ولایت از سوی خداوند برای بستر سازی کمال یابی بشر بیان شده است. از این رو، همه چیز بر محور توحید و تکامل انسانی، معنا و مفهوم می یابد.

۲۲،۲: مردم سالاری و مردم سالاری دینی:

تعریف و مفهوم:

اول: تعریف دموکراسی و مردم سالاری: دموکراسی اصطلاحی است مشتق از واژه یونانی «دموکراتیا» که پیشوند «دموس» به معنای اداره امور خارجی کشور، در برابر «پولیس» به معنای اداره امور داخلی کشور، به کار می رود و «کراتوس» قدرت، حکومت، اداره امور و حاکمیت می باشد (ولی زاده، ۱۳۹۴: ۲، برگرفته از: علی بابایی، ۱۳۷۸). دموکراسی در اصطلاح سیاسی عبارت است از: شکلی از حکومت که مطابق با اصول حاکمیت مردم، برابری سیاسی، مشورت با همه مردم و حکومت اکثریت سامان یافته است (همان منبع: ۲، برگرفته از: رنی آستین، ۱۳۷۸: ۴۳). یا در تعریف دیگر: یک سیستم خاص و شکلی از حکومت می دانند که

گروهی به نام اکثریت مردم می توانند کنترل سیاسی خود را اعمال کنند (بیتهام، بویل، ترجمه: تبریزی، ۱۳۸۶: ۱۸-۱۷). تعریف مردم سالاری، مناقشه برانگیز است، به رغم نقش تأثیرگذار آن در جامعه و اهتمام تمام گروه ها به آن، هنوز درک واحدی از این تعبیر به دست نیامده است (سدیدپور، سنجقی، شیرازی، ۱۳۹۴: ۷۷)، در اینجا به برخی از این تعاریف اشاره می کنیم:

*افلاطون: "مردم سالاری، حکومت تهیدستان است که بر اشراف سالاری پیروز می شود".

*لیپسیت: "تعریف مردم سالاری مبنایی فرهنگی دارد. در نظام مردم سالار، رقابت بر سر احراز مناصب، نبودن زور و اجبار و حذف نکردن گروهی در جامعه و وجود آزادی های مدنی و سیاسی به منظور تضمین صحت مشارکت و رقابت سیاسی مطرح است".

* "مردم سالاری، نظام حکومتی است که در آن مردم کشور در تصمیم گیری در کار خود دخالت می کنند" (همان منبع: ۷۸؛ بر گرفته از: عباسی، ۱۳۸۷: ۲۱۵ تا ۲۳۵).

دوم: تعریف مردم سالاری دینی - اسلامی: «واژه مردم سالاری دینی»، اصطلاح تازه ای در گفتمان سیاسی دنیاست که بر خلاف واژه هایی چون جمهوری اسلامی، پارلمان اسلامی و ... که همگی ترکیب هایی از یک مفهوم غربی به علاوه یک قید اسلامی هستند؛ در بستر مبنای سیاسی اسلام و متأثر از آموزه های نبوی و علوی رویداده، و بر آن است تا ضمن پاسداشت حقوق مردم در حوزه سیاست و اداره امور جامعه و پرهیز از الگو های حکومتی استبدادی، رعایت اصول و مبنای ارزشی را بنماید و بدین ترتیب، نظام اسلامی را از الگو های سکولار غربی تمیز دهد. برای این منظور، در حکومت اسلامی روش نوینی مورد توجه قرار گرفته که نه استبدادی و نه لیبرالی است (فیاضی، ۱۳۸۰: ۴۳). در تبیین مفهوم مردم سالاری دینی می توان چنین بیان نمود: "مردم سالاری دینی ناظر به مدلی از حکومت است که بر مشروعیت الهی و مقبولیت مردم استوار بوده و حاکم در چارچوب مقررات الهی، حق مداری، خدمت محوری و ایجاد بستری برای رشد و تعالی مادی و معنوی ایفای نقش می کند" (نوروزی، ۱۳۸۲: ۶۹، ۳). مردم سالاری غیردینی یا سکولار با مردم سالاری دینی تفاوت بسیار زیادی دارد و حتی این دو مورد در اصل مردم سالاری نیز یکسان نیستند. مردم سالاری غربی بر تکثرگرایی و مردم سالاری دینی بر اصل وحدت گرایی تأکید دارد (مهردی زادگان، ۱۳۹۳: ۱۶۸، ۱۵۹).

۲۳،۲: جامعه مدنی

تعریف و مفهوم: "جامعه مدنی به حوزه ای از روابط اجتماعی اطلاق می شود که فارغ از دخالت قدرت سیاسی است و مجموعه ای از نهادها، مؤسسات، انجمن ها، تشکل های خصوصی و مدنی را در بر می گیرد" (رزمی، صدیقی، رضاییان، ۱۳۹۱: ۵۹؛ بر گرفته از: بشیریه، ۱۳۸۰). جامعه مدنی نقشی بسیار مهم در حمایت از حقوق شهروندان دارد. جامعه مدنی بیانگر بخشی از جامعه است که شهروندان را با حوزه عمومی و دولت پیوند می دهد، به عبارتی وجه سیاسی جامعه است. سازمان های جامعه مدنی مشارکت مردم در فعالیت های اقتصادی و اجتماعی را کانالیزه کرده و آنها را از طریق سازماندهی در گروه های قدرتمند برای تأثیرگذاری بر فرآیند خط مشی گذاری تقویت می کند. آنها همچنین فرصت هایی برای افراد جامعه فراهم می آورند تا ظرفیت هایشان را توسعه داده و استانداردهای زندگیشان را بهبود دهند (همان منبع: ۹؛ برگرفته از: علیزاده، عرب، ۱۳۸۷). جامعه مدنی استوار بر اخلاق مدنی و قانونمندی می تواند به حکمرانی خوب انجامد... مهمترین ویژگیهای اخلاق مدنی عبارت است از: اعتماد، احترام دوسویه، قانونمندی، رواداری، مسئولیت پذیری، پاسخگویی، انتقادپذیری، شفافیت و ... (همان منبع: ۹)

۳. اصول و شاخص ها:

هرکدام از مفاهیم حقوق عمومی، کارآمدی، مردم سالاری دینی - اسلامی و حکمرانی مطلوب و با رویکرد اسلامی، دارای اصول و شاخصه هایی می باشند. نظر به اینکه تعاریف مختلفی که برای دولت، حکمرانی، کارآمدی و مردم سالاری در متون مختلف علمی بیان شده است، بدین لحاظ در هر مفهومی شاخص های متنوعی یافت می شود که تا حد امکان آن شاخصه ها جمع آوری و مورد بررسی قرار گرفته است. حاصل این بررسی ها نشان می دهد که در اغلب موارد شاخصه ها مشترک می باشند و در تحقق حکمرانی مطلوب، نسبت به یکدیگر دارای هم افزایی می باشند.

۱.۳. اصول حقوق عمومی: هدف حقوق عمومی قانونمند کردن دولت و حکومت است، تا از یک سو زمامداران در برابر مردم مسئول عملکرد خود باشند و از سوی دیگر ابتکار عمل امور مربوط به جامعه نیز در دست مردم باشد و قدرتی وجود داشته باشد که بتواند بر پایه قواعد، ارزشها و هنجارهای حقوقی و اخلاقی، آسایش، امنیت و عدالت را در جامعه نهادینه نماید. حقوق عمومی بر سه اصل اقتدار، قانون مداری (اصل حاکمیت قانون)، اصل تفکیک قوا و مسئولیت استوار است.

۲.۳. ضابطه ها و شاخص های کارآمدی: بنا به یک تعریف جامع تر، سطوح کارآمدی نظام های حقوقی - سیاسی، به چهار سطح تقسیم می شود (قیصری، قربانی، ۱۳۹۴: ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴ - الوانی، ۱۳۷۹: ۶۷ و ۶۹ - ستاری، ۱۳۹۰: ۴۵ و ۷۳) که به اختصار به نمونه ها یی از ضابطه ها و شاخصه های سطوح کارآمدی می پردازیم:

الف: سطح ایده (بنیان های نظری): ضابطه ها شامل: معضل گشایی، بن بست شکنی و افق گشایی شاخصه ها شامل: توانایی توجیه واقعیات و تضادهای ظاهری و ارائه پاسخهای مناسب، ارائه راهکار برای حل و رفع معضل، نوآوری نظری و مفهومی، توانایی رفع بن بست و پاسخگوئی به مسائل مستحدثه.

ب: سطح ساختار: ضابطه شامل: انطباق پذیری و شاخصه ها شامل: انطباق با ایده ها (بنیان های نظری) و ارزش ها، امکان پیش بینی تغییرات (ظرفیت مواجهه با تغییرات)، انعطاف پذیری و تفکیک اجزا و وظایف (اصل تفکیک قوا).

ج: سطح کارگزار (مدیران و متصدیان امور): ضابطه شامل: مهارتهای فنی، انسانی، ادراکی و شناختی شاخصه ها شامل: توانایی تشخیص مسائل، توانایی در ایجاد همگرایی، آینده نگری و کلان نگری

د: سطح رفتار: ضابطه شامل: تحقق اهداف و سودمندی کارکردی شاخصه ها شامل: انطباق با ایده ها، تحصیل نتایج مطلوب

۲.۳. شاخص های حکمرانی خوب: تفاوت هایی که در تعاریف و شاخص های حکمرانی خوب وجود دارد، بیشتر از نوع ایدئولوژیکی و از سنخ فرهنگی - بومی است و شاخص هایی هم که برای ارزیابی و سنجش حکمرانی مورد نظر قرار می گیرد بر اساس نوع چارچوب ها و ساختار های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی ... کشورها است.

الف: بر اساس تعریف کافمن (Kauffman) از حکمرانی در بانک جهانی، شاخص ها حکمرانی خوب شامل: ۱. حق اظهارنظر و پاسخ گویی. ۲. ثبات سیاسی. ۳. حاکمیت قانون. ۴. کنترل فساد. ۵. کیفیت [قوانین و] بوروکراسی. ۶. اثربخشی [کارآمدی] دولت را بیان کردند؛ هر قدر در کشور، دولت پاسخگو تر، کارآمد تر و ثبات سیاسی بیشتر، مقررات اضافی و هزینه ها کمتر و حاکمیت قانون گسترده تر و فساد محدودتر باشد، گفته می شود که حکمرانی خوب برقرار است (مبارک، آذریپوند، ۱۳۸۸: ۱۸۵).

حق اظهارنظر و پاسخ گویی: بیانگر مفهوم هایی مانند: حقوق سیاسی، آزادی بیان و تجمعات سیاسی و اجتماعی، آزادی مطبوعات، میزان نمایندگی حاکمان از طبقه های اجتماعی، فرایندهای سیاسی در برگزاری انتخابات [نشان دهنده میزان و درجه توانایی شهروندان یک کشور در تعیین و انتخاب دولت] (پاداش زیوه، خداپناه، ۱۳۹۴: ۱۶۸؛ برگرفته از: Kaufmann, ۲۰۰۲: ۸ Kraay, Lob) [و ... است که با عنوان شاخص دمکراسی از آن یاد می کنیم] (مبارک، آذریپوند، ۱۳۸۸: ۱۸۹).

ثبات سیاسی [و نبود خشونت]؛ مربوط به میزان ثبات نظام سیاسی و حقوقی و تداوم سیاست های کلی وزمامداران آن می شود. بر اساس این شاخص، هرچه کشوری از ثبات سیاسی بیشتری برخوردار باشد، در حکمرانی خوب امتیاز بالاتری را کسب می کند (پاداش زیوه، خدایانه، ۱۳۹۴: ۱۶۸؛ برگرفته از: Ernst & Hart, ۲۰۰۷).

حاکمیت قانون؛ اینکه تا چه میزان قوانین در یک جامعه واقعی اند و می توان به اجرای آنها اطمینان داشت با این شاخص ارزیابی می شود. در این شاخص به ویژه اجرای قراردادهای، احتمال وقوع جرم های خشونت آمیز و غیرخشونت آمیز، اثربخشی و قابلیت پیش بینی عملکرد محاکم قضایی [و میزان رعایت و احترام به قوانین] در یک جامعه مدنظر است (همان منبع: ۱۶۹، برگرفته از: Kaufmann et al., ۲۰۰۲، ۱۹).

کنترل فساد؛ درحالت کلی مربوط به سوء استفاده کارگزاران از قدرت و امکانات عمومی است و متغیرهایی همچون؛ رانت، رشوه، اختلاس [فراوانی «پرداخت های اضافی جهت انجام کارها» جنبه قابل تامل در این بخش است] به وسیله مقامات و متصدیان امور، میزان اراده مبارزه با فساد، میزان جذب سرمایه های خارجی و... موثر بوده و تعیین کننده میزان این شاخص خواهد بود.

کارایی و اثربخشی دولت؛ کارآمدی دولت را مشخص می کند که در بخش شاخص های «کارآمدی» به تفصیل بدان پرداخته شد. کیفیت قوانین و بوروکراسی؛ منظور از این شاخص، قابلیت دولت در تدوین و اجرای سیاست ها و مقرراتی است که سبب گسترش حضور و فعالیت های بخش [های] خصوصی (همان منبع: ۱۶۹؛ برگرفته از: Austrian Development Agency, ۲۰۱۱) دولتی و جامعه مدنی می شود.

ب: نتایج مطالعات، نشان می دهد نظرات و عملکرد امام علی (ع) با شش مؤلفه [یا شاخص] مطرح شده تحت عنوان حکمرانی خوب از سوی بانک جهانی نه تنها منافاتی ندارد؛ بلکه مؤلفه هایی را در بر می گیرد که از سوی نظریه پردازان غربی مورد غفلت واقع شده است، مؤلفه هایی نظیر: «فرهنگ و اصلاحات فرهنگی»، «تأمین نیاز های اساسی مردم و فقر زدایی»، «شایستگی کارگزاران» و «ضرورت مشورت در حکمرانی» و آموزه های؛ خداترسی، بندگی پروردگار، عدالت اجتماعی و ... (شاه آبادی، جامه بزرگی، ۱۳۹۲: ۵۰۴). بطور کلی، می توان نهج البلاغه را در بر گیرنده تمام اصول و مؤلفه ها [و شاخصه هایی] دانست که برای حکمرانی خوب لازم است (همان منبع: ۵۰۴).

ج: دیدگاه مقام معظم رهبری راجع به شاخص های حکمرانی خوب و با رویکرد اسلامی شامل: ۱. عدالت خواهی و عدالت گستری. ۲. فساد ستیزی. ۳. سلامت اعتقادی و اخلاقی مسئولان کشور به ویژه در سطح عالی رتبه (ساده زیستی و مردم گرایی، تواضع، پرهیز از اسراف، خودگرایی، تدبیر و حکمت در تصمیم گیری و عمل، وسعت نظر و تحمل مخالف، پرهیز از منافع شخصی و گروهی، شجاعت و قاطعیت در بیان و عمل حق، انس با خدا و قرآن و استمداد دائمی از خدا) ۴. تلاش بی وقفه برای ارائه خدمت عمومی. ۵. شایسته سالاری در انتصاب کارگزاران حکومتی ۶. نظارت بر عملکرد و اطمینان از صحت عمل دستگاه ها. ۷. قانون گرایی. ۸. بهبود مستمر نظام و ساختار دولتی (پرهیز از تصدی گری، تمرکز زدایی، اطلاع رسانی و شفافیت اطلاعات، حفظ سرمایه های ملی یا محیط زیست، توجه به فرهنگ) ۹. مشارکت مردم در تصمیم سازی و تصمیم گیری در عرصه ملی و جهانی (امامقلی پور، آسمانه، ۱۳۹۵: ۹۹ و ۹۸).

ج: شاخص های نظریه حکمرانی خوب و تطابق آن با حکمرانی خوب از دیدگاه امام علی (ع) نهج البلاغه:
علاوه بر شاخصه های حکمرانی خوب، شاخص های مهم و اساسی دیگری نیز در زمان زمامداری حضرت علی (ع) مورد توجه بوده است. که به شرح ذیل بیان شده است (شاه آبادی، جامه بزرگی، ۱۳۹۲: ۱۵ تا ۱۵):

اول: شاخص های حکمرانی خوب: ۱. پاسخگویی و حق اظهار نظر ۲. ثبات سیاسی و نبود خشونت ۳. اثر بخشی دولت ۴. کیفیت قوانین ۵. حاکمیت قانون ۶. کنترل فساد

دوم: سایر شاخصه های حکمرانی خوب و با رویکرد اسلامی از دیدگاه مولی علی (ع): ۱. توجه به فرهنگ و اصلاحات فرهنگی (مبارزه با انحرافات دینی که پس از رحلت پیامبر(ص) و خلفای پیشین ایجاد شده بود، مبارزه با جهل عمومی) ۲. توجه به معیشت مردم ۳. شایستگی کارگزاران ۴. ضرورت مشورت در حکومت.

۴،۳: اصول و شاخص های مردم سالاری و مردم سالاری دینی: به طور خلاصه می توان ویژگیهای یک نظام مردم سالار را بدین ترتیب برشمرد: حق مشارکت همگانی، وجود آزادیها، تسامح و تحمل و چندگانگی سیاسی، حکومت اکثریت و احترام به اقلیت، برابری، توزیع خردمندانه قدرت از طریق سرشکن شدن قدرت در هیئت حاکمه و تفکیک وظایف و تعدد نهادها(قاضی، ۱۳۸۴: ۱۲۳ و ۱۱۸). برخی از حقوقدانان معتقدند که نظام مردم سالاری به شدت آسیب پذیر است، چهار اصل زیربنایی که تضمین کننده سلامت مردم سالاری می باشد[شامل]: تنظیم قدرت(تعادل و توزیع قدرت)، تناوب قدرت یا محدودیت دوره زمامداری حاکمان و ادواری بودن مشاغل سیاسی، حاکمیت قانون، مسئولیت و پاسخگویی زمامداران و مسئولین حکومتی(هاشمی، ۱۳۸۸-۱۳۸۹: ۳۰؛ به نقل از پایان نامه: ضیایی، ۱۳۸۹: ۹۰ و ۹۱).

در نظام مردم سالاری دینی، نظام سیاسی بر دو رکن الهی و انسانی استوار است و این نظام با در نظر داشتن اصول اعتقادی اسلام، رابطه مردم و حکومت را تبیین می کند. این اصول عبارتند از: ۱. فضیلت محوری ۲. هدایت محوری ۳. حاکمیت الهی ۴. ایمان دینی ۵. انتخاب مردمی ۶. آرمان گرایی ۷. تکلیف محوری ۸. شایسته سالاری ۹. قانون محوری ۱۰. رضایت مندی (بردبار، صرابی زاده، صالحی، ۱۳۹۴: ۱۰؛ برگرفته از: جوادی آملی، ۱۳۸۷).

۴: تحلیل مفاهیم

۱،۴: رابطه کارآمدی، حاکمیت، دولت و حکومت: حکومت؛ بین دو لبه نه چندان نا منعطف دولت و حاکمیت قرار گرفته و ناچار است به نحوی عمل کند که با وجود کمیابی منابع و فرصت ها باز هم بتواند در قدرت بماند و احتمالاً دولت و حاکمیت را در خطر نیاندازد. سازوکار تضمین موفقیت حکومت، در محتوا و شیوه کار آن است، مواردی که اندازه مناسب حکومت را تعیین می کند. حاکمیت؛ سیال ترین جنبه حیات هر اجتماع انسانی است، اگر دولت - ملت به جنبه های هستی شناسانه و حکومت به ساز و کارهای اجرایی دلالت دارند، حاکمیت بدلیل چارچوبی اشاره دارد که بوسیله آن آرمان، هدف ها، منظور ها، مقصود های مردمان و نحوه حصول به آن ها تبیین می شود (گلشنی، ۱۳۸۵: ۳۸).

همانطور که در مباحث پیشین، ذیل تعریف «حاکمیت» و «حکومت» بیان شد، حاکمیت یک مفهوم «انتزاعی» است، همچون مفهوم «حکمرانی» و «دولت» که دارای مفهومی جدا، از اجزای تشکیل دهنده آنها است و تحت عنوان "قدرت برتر فرماندهی در درون جامعه و قدرت استقلال و نفی وابستگی در بیرون آن... و «حکومت» در واقع پدیدار شدن عینی حاکمیت در ارکان سیاسی یک دولت است" در بعد کارآمدی نظام سیاسی و حقوقی، حاکمیت و حکومت رابطه متقابلی نسبت به یکدیگر دارند. به طوری که میتوان ادعا نمود که هیچ «حاکمیتی» در عمل کارآمد نیست، مگر، آن که حاکمیت، «حکومت» کارآمدی را طراحی کرده باشد.

۲،۴: رابطه دولت و حکمرانی خوب و با رویکرد اسلامی

الف: نسبت مفهوم دولت و حکمرانی: حکمرانی واژه ای است که از اوایل دهه ۱۹۹۰ رایج شد و معمولاً "مشابه با دولت و به جای آن مورد استفاده قرار گرفته است. فرهنگ فشرده آکسفورد «دولت» را به عنوان مجموعه ای از نهادهای تشکیل شده از افراد که، یک اداره و یا وزارتخانه را هدایت و اداره می کنند، تعریف می کند. این فرهنگ همچنین «دولت» را به عنوان

عمل "روش حکومت کردن" تعریف می کند. این فرهنگ تعریف بسیار مشابهی برای «حکمرانی» ارائه می دهد که عبارت است از: «عمل، روش، حقیقت و یا وظیفه حکومت کردن، نفوذ و کنترل». همانگونه که مشاهده می شود، این دو واژه بسیار گمراه کننده و مبهم اند. اما این ابهام در کاربرد این دو واژه، پیامدهای نامناسبی را به همراه خواهد داشت. نتیجه آن این خواهد بود که مسائل مربوط به خط مشی، بی چون و چرا تبدیل به یک مسئله دولتی می شود. (صانعی، ۱۳۸۹، شماره ۷۰۹۱، برگرفته از سایت: <https://www.magiran.com>).

پس از عصر بی دولتی، در آغاز شکل گیری دولت ها سه معنی حکومت - شاهد دولت های بزرگ با اختیارات گسترده بودیم. به مرور زمان و تسریع روند رشد و توسعه نیروی انسانی و شکل گیری زندگی مدنی، انسان ها خواهان ایفای نقش فعال تری در زندگی خود و به همان نسبت خواهان محدود ساختن اختیارات دولت ها شده اند. پس آنچه سبب تغییر اشکال دولت ها شده است، سعی در کاستن از اختیارات آنها و نزدیک تر کردن آنها به بسترهای حفاظت از حقوق مردم، ملت ها بوده است) (Richard, ۱۹۹۹: ۲۰-۲۵ به نقل از: توحید فام، ۱۳۸۶: ۲). در نتیجه تداخل فزاینده میان جامعه مدنی و دولت ها بود که دولت به کانون توجه مسائل جهانی درآمد. در این میان ساز و کار حقوق سیاسی و مدنی به معنی امکان مشارکت در اعمال قدرت سیاسی برای اعضای اجتماع سیاسی بود که تعقیب آنها در طول زمان، سرشت دولت ها را از نو قوام بخشید، و دولت ها را به سمت سیاست های دموکراتیک سوق داد. [امروزه] رشد ملت-دولت ها، سازمان ها، تجمعات بین المللی و فراملی سازمان ملل، نفوذ کنشگران بین المللی، افزایش پیوند های متقابل جهانی و عدم امکان ادای وظایف دولت ها بدون توسل به همکاری های بین المللی، سبب رشد منظم امور جهانی و شکل گرفتن نظم جهانی گردید. این امر گرچه حوزه اقتدار ملت-دولت ها را تقلیل داده است اما به معنای پایان آن نیست. بلکه به معنی تغییر ساختار های ملت-دولت هاست (John Dunn, ۱۹۹۵: ۷-۱۵) به نقل از همان منبع: ۳).

ساختارها [مادی-مدیریتی و حقوقی]] به منظور اینکه از عهده تامین اهداف، نیاز ها و انتظاراتی که متوجه آنهاست برآیند، می بایست در مقابل تغییرات و تحولات زمانه از قدرت انعطاف برخوردار باشند، به گونه ای که نه تنها نسبت به تحولات بی توجه نباشند، بلکه برای مدیریت این تحولات مجهز به مکانیسم های خود تقویت کننده و در صورت لزوم خود اصلاح گر باشند. به عبارتی، توانایی انطباق با شرایط جدید و متغیر که از ابعاد مفهوم کارآمدی محسوب می شود و در نظریه کارکرد گرای ساختاری پارسونز بر آن تصریح شده است، [داشته باشند] (بشیریه، ۱۳۹۱: ۸۵ و ۸۶). شاخص های انطباق پذیری و انعطاف پذیری در سطح ساختار دولت، این امکان را فراهم می کند که، تغییرات لازم با توجه به مفروضات مد نظر در مبانی نظری و سیاست های مصوب و مقتضیات روز، در سیستم حکمرانی ایجاد شود.

ب: نقش برتر دولت در حکمرانی مطلوب: دولت بر مبنای مشروعیت و اقتداری که از سوی شهروندان [دریافت می کند]، مسئول ارائه خدمات عمومی و ایجاد بستری برای توسعه انسانی پایدار از طریق ایجاد و حفظ چارچوب های قانونی با ثبات، کارا و منصفانه برای فعالیت های عمومی و خصوصی می باشد دولت باید در زمینه هایی همچون حمایت از حقوق شهروندان آسیب پذیر، حفظ محیط زیست، حفظ ثبات اقتصادی کلان، حفظ استانداردهای بهداشت و ایمنی عمومی، سوق دادن منابع به سمت ارائه خدمات اساسی مورد نیاز جامعه، ایجاد زیر ساخت ها و حفظ امنیت و نظم اجتماعی، فعالیت نمایند (رزمی، صدیقی، ۱۳۹۱: ۷)؛ برگرفته از: علیزاده، عرب، ۱۳۸۷). در برخی از متون علمی بدین شرح بیان شده است که: "تمامی تعاریف ارائه شده در خصوص [حکمرانی]، بیانگر مفهومی وسیع تر از «حکومت» هستند. کاربرد جدید این واژه فقط شامل بازیگران و نهادهای دولت نمی شود، بلکه شامل سه نهاد «حکومت»، «جامعه مدنی» و «بخش خصوصی» نیز می شود (صداقت کیش، نصرالهی، ۱۳۹۵: ۴). با این وجود؛ دولت را چه بر اساس تعریف به معنای عام و یا معنای خاص آن مد نظر قرار دهیم، در انتها این دولت

است که با استفاده از ابزار های متنوع "قدرت سیاسی" که در اختیار دارد نقش بی بدیلی در تحقق شاخصه های حکمرانی مطلوب و شایسته ایفاء می نماید.

[در مباحث پیش گفته راجع به حکمرانی بیان شد که] دولت ها، نهاد های خاصی هستند که در حکمرانی مشارکت دارند. دولت هایی که نماینده مردمند و در جستجوی حمایت شهروندان و نیازمند مشارکت فعال کارکنان خود هستند. حکمرانی، نتیجه سیاست ها، خط مشی ها و برنامه هاست. [همچنین]، پروفیسور دونالد کتل در کتاب خود با عنوان تغییر حکمرانی (Transformations of governance) مباحثی را در خصوص تمایز بین دولت و حکمرانی ارائه می دهد [و می گوید]: دولت یک فراساختار نهادی (Institutional superstructure) است که جامعه، برای تبدیل سیاست ها به خط مشی ها و قانون، مورد استفاده قرار می دهد و حکمرانی، پیامد (نتیجه) تعامل دولت، خدمات عمومی و شهروندان از طریق فرآیند سیاسی، توسعه خط مشی، طراحی برنامه و ارائه خدمت است (صانعی، ۱۳۸۵: ۲۹).

۳،۴: رابطه کارآمدی و مشروعیت: پس از تشکیل حکومت ها و شکل دهی قوانین و تصویب آن، مسئله دیگری به وجود می آید و آن تداوم و ادامه حکومت می باشد که چگونه یک حکومت مشروعیت خود را باز تولید کند که در اینجا عنصر دیگری بر مؤلفه های مشروعیت اضافه می شود و آن عنصر «کارآمدی» است (متقی، کرامت، ۱۳۹۳: ۳۴۴، ۳۴۵). کارآمدی در حقیقت بیانگر قابلیت و توانایی اداره هر کشور از سوی مدیران و کارگزاران آن است و ایفای بهینه کار ویژه های دولت و کسب حداکثر رضایت مندی مردم را در پی دارد. اساسا در مدیریت، کارآمدی و کارایی رکن اصلی را ایفاء می کند؛ چرا که در مدیریت، فرآیند به کارگیری موثر و کارآمد منابع مادی و انسانی، در برنامه ریزی و سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل، در دستیابی به اهداف سازمانی بر اساس نظام ارزشی پذیرفته شده نقش اساسی دارد (رضائیان، ۱۳۸۵: ۶).

۴،۴: رابطه کارآمدی، نظارت، اصل مسئولیت - پاسخ گویی و شفافیت: میان دو مفهوم نظارت و پاسخگویی ارتباط دو طرفه ای وجود دارد، به این معنا که هر جا نظارت وجود دارد، پاسخ گویی هست و هر جا پاسخ گویی باشد، نظارت نیز موجود است. نظارت ضمن اینکه، زمینه پاسخ گویی را در عمل فراهم می کند، به جهت داشتن ضمانت اجراهای قانونی لازم موجب مسئولیت پذیر شدن صاحب منصبان و پاسخگویی مطلوب تر آنها می شود. در این میان اصل شفافیت، موجب آگاهی بیشتر در جامعه و تقویت نظارت مردمی و حاکمیتی و در نتیجه پاسخگویی زامداران می شود. از آنجا که شفافیت، نظارت - کنترل و پاسخ گویی از عناصر و شاخصه های اصلی حکمرانی خوب و با رویکرد اسلامی محسوب می شود در صورت اجرای دقیق آنها، زمینه تحقق آن را فراهم می کند.

۵،۴: رابطه سازمان و نگرش سیستمی: نگرش سیستمی نگرشی کل نگر از سیستم است که، می توان تصویری یکپارچه و منسجم از محیط و سیستم پیدا و جهت مناسب سازمان را تعیین کرد. از این رو می توان استنتاج کرد که مشاهده کل، نیازمند درک همزمان ساختار، عملکرد و فرآیند همراه با محیط است. لذا نگرش سیستمی؛ ساختار، اجزاء و روابط آنها را تعیین می کند، عملکرد، نتایج کار را مشخص می کند، فرآیند، چگونگی عملکرد ساختار را توضیح می دهد و بستر، محیط منحصربه فردی را تعریف می کند که سیستم در آن جای گرفته است (استرمن، ۱۳۹۵: ۱۷۴). سازمان را میتوان به عنوان مفهوم اصلی نگرش سیستمی تلقی کرد. سازمان به معنای سلسله ای از روابط بین عناصر یا اشخاص است که یک واحد وجودی جدید را به وجود می آورد. سازمان یکی از جنبه های اساسی هر سیستم است، که خود نیز دارای دو جنبه «ساختاری» و «کارکردی» می باشد (موسوی، ۱۳۹۱: ۳۱ و ۳۲ و ۳۸). این نگرش، سازمان را به عنوان یک مجموعه واحد هدفمند می نگرد که دارای اجزاء مختلف و مرتبط به یکدیگر است و با در نظر گرفتن همه قسمتها و تعاملات داخلی و خارجی آن، در موردش اقدام و تصمیم گیری می شود.

۶،۴: ساختار سازمانی تعیین کننده نوع رفتار (عملکرد) یک سیستم: می توان گفت که ساختار سازمانی، چارچوب اساسی سیاست ها و قوانین سازمان است. ساختار سازمانی چگونگی توزیع نقش، قدرت، اختیار و مسئولیت و چگونگی کنترل آن را نشان می دهد. به بیانی دیگر: رفتار یک سیستم از ساختار آن ناشی می شود (استرمن، ۱۳۹۵: ۱۷۴).

«Barnes» و «Stalker» در مطالعات و پژوهش های خود، مقوله «پایداری شرایط محیطی» را مبنای دسته بندی انواع ساختار سازمانی قرار داده اند و مطابق نظر آنها ساختارهای ارگانیک با شرایط محیطی ناپایدار و ساختارهای مکانیکی با شرایط محیطی نسبتاً پایدار سازگاری و تطابق بیشتری دارد (۳۱-۱۰۹: ۲۰۱۵: Mirkamali, Rezaeian). به نقل از مقاله: رئیسون، عباسپور، رحیمیان، خورسندی طاسکوه، برزوین شیروان، ۱۳۹۷: ۷). «ساختار» خود به دو نوع «ساختار مدیریتی» و «ساختار حقوقی» تقسیم می شود. انتخاب ساختار مطلوب (مدیریتی و حقوقی) بر اساس خصوصیات، ویژگی های آن سازمان و شرایط فرهنگ و فضای سیاسی جامعه، نقش اساسی در کارآمدی یک سیستم و یا سازمان دارد و بدین لحاظ ساختار مطلوب یکی از ارکان اساسی تحقق حکمرانی خوب است.

۷،۴: رابطه کارآمدی نظام اداری و نقش آن در نظام سیاسی - حقوقی و حکمرانی مطلوب: تعاریف مختلفی راجع به نظام اداری ذکر گردیده است، در یکی از تعاریف؛ نظام اداری را به مثابه: «سازمان تنظیم کننده فعالیت ها» و «هماهنگ کننده بین بخش ها» به شرح ذیل در نظر گرفته است:

"نظام اداری هر کشوری به مثابه «سازمان» تنظیم کننده فعالیت ها برای نیل به اهداف عالی کشور است..." (مشبکی اصفهانی، جمالی، ۱۳۸۹؛ به نقل از: ریاحی، نصرتی، ۱۳۹۶: ۶۹). در تعریف دیگر؛ نظام اداری را به عنوان «ساختار»، «روابط بین واحد ها» و «گروهی از افراد» که در آن نظام، فعالیت می کنند، به شرح ذیل مطرح شده است: "[نظام اداری] به ساختار و روابط بین واحد ها و هم به گروهی از افراد که گرد هم می آیند تا سیاست ها و خط مشی های مشترکی را به کار گیرند..." یا در تعریف دیگر: "نظام اداری به مجموعه سازمانها و نهادهای دولتی و عمومی... تعبیر شده است" (عابد جعفری، کیمیایی، ۱۳۷۶: ۳۷۴؛ به نقل از: ریاحی، نصرتی، ۱۳۹۶: ۶۹). بنابر این: [از یک سو؛ نظام اداری به عنوان بازوی اجرایی نظام سیاسی-حقوقی در هر کشوری محسوب می شود]... و تأثیر آن در تحقق اهداف نظام کلان جامعه به اندازه ای تعیین کننده است که بدون طراحی یک نظام اداری منطقی و کارآمد، دستیابی به اهداف مزبور عملی نیست (اکبری، کوکی سقس، محمودی، عرب، ۱۳۸۶: ۱۲). [از سوی دیگر؛] نظام اداری و تحولات آن تحت تأثیر نظام سیاسی و فضای باز و بسته سیاسی آن کشور قرار دارند. [به بیانی دیگر؛] نظام اداری به ساختار و بنیان اجتماعی و اهداف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور وابسته است و نمی توان به صورت انتزاعی به آن پرداخت (عسگری ساجدی، ۱۳۸۴: ۴۳؛ به نقل از مقاله: معمارزاده طهران، نجفی، ۱۳۹۶: ۴۲). در حقیقت زمانی نظام اداری و سیاسی در حوزه حکمرانی مطلوب و اسلامی از کارآمدی لازم برخوردار است که با آسیب شناسی دقیق نظام اداری و هماهنگی و همکاری لازم با سیاست و خط مشی گذاران به موقع معطلات را تشخیص و راه حل های مناسب را با بر اساس شاخص های کارآمدی، حکمرانی خوب و اسلامی و مردم سالاری دینی ارائه دهند.

۸،۴: نقش رویکرد سیستمی در کارآمدی نظام سیاسی و تنظیم سیستم حکمرانی: تا زمانی که نهاد دولت به عنوان یک کل به هم پیوسته و مرتبط مورد توجه قرار نگیرد، به طور طبیعی به صورت مجموعه ای از اجزای بدون ارتباط یا ارتباط رقیق هر چند در کنار هم دیده می شوند ولی این نظام سیاسی فاقد بهره وری و کارآمدی [لازم] می شود و امکان اختلاف میان اهداف، وظایف و مأموریت آنها اجتناب ناپذیر خواهد بود. تجهیز به تفکر سیستمی امکان رسیدن به کارآمدی را افزایش می دهد و فضای اداره کشور را فضای سیستمی می کند؛ به صورتیکه ارتباط هر سیستمی با زیر سیستم ها [دستگاه های رسمی (حاکمیتی)] و فرا سیستم ها [غیر رسمی (بخش خصوصی و جامعه مدنی و نهاد ها و مجامع فراملی و سازمان های بین

المللی]] مشخص و زمینه تعارض و واگرایی به شدت کاهش پیدا می کند(موسوی، واعظی، ۱۳۹۲: ۱۱). تنظیم و هماهنگی از کارکرد های مهم حکمرانی خوب است و تحقق آن نیز از طریق ساختار و سیستم کارآمد امکان پذیر می شود.

۹،۴: نقش فرآیند خط مشی گذاری عمومی در کارآمدی دولت و حکمرانی خوب: خط مشی صرفاً «تصمیم» نیست، بلکه «فرآیندی» که در برگیرنده تمام اقداماتی است که از زمان احساس مشکل شروع می شود و به ارزیابی نتایج حاصل از اجرای خط مشی ختم می گردد. " فرآیند خط مشی گذاری عمومی مجموعه ای متعامل از فعالیتها و اقداماتی است که با شناسایی مسائل عمومی، ایده ها و اولویت های دولت را در حالت های مختلف برای افراد یا مراجع تصمیم گیرنده تعیین نموده و بوسیله آنها معین می کند که کدام گزینه و چه وقت باید به یک اقدام عملی تبدیل شود ". این فرآیند پیچیده دربرگیرنده حداقل چهار گروه متغیر؛ حوادث و رویدادهای عمومی، بازیگران(از جمله بازیگران رسمی مانند قوای سه گانه و بازیگران غیر رسمی مانند احزاب و یا گروه های ذینفع)، مجریان خط مشی ها و تصمیمات و اقدامات مورد نظر است (دانش فرد، ۱۳۹۲؛ به نقل از مقاله: گل دار، امیری، قلی پور سوته، معظمی، ۱۳۹۶: ۸۴).

فرآیند خط مشی گذاری عمومی از یک طرف با انجام مجموعه ای متعامل از فعالیتها، اقدامات(شناسایی مسئله، هدف گذاری، تولید اقدامات، تصمیمات، اجرا و ارزیابی) و از طرف دیگر ارتباط و تعامل با بازیگران مختلف در حوزه حاکمیتی و نهادهای اجتماعی و مدنی صورت می دهد. این اقدامات در قالب اسناد و قوانین بالا دستی به عنوان سیاست های قابل اجرا در حکمرانی خوب بروز می یابد. از این جهت خط مشی گذاری مطلوب(بدون مداخلات غیر معمول و آسیب های خط مشی گذاری) نقش اساسی در حکمرانی خوب دارد(طهماسب کاظمی، ۱۳۹۵: ۸۷).

۱۰،۴: ارتباط کارآمدی، فرهنگ سیاسی، نظام سیاسی و اداری با حکمرانی خوب: هر نظام سیاسی مبتنی بر یکسری بنیان های نظری است که در حکم علت پیدایش یا اندیشه بنیادین تأسیس دولت به شمار می روند و ریشه در باورها، ارزش های بنیادین، آرمان ها، منافع، ایدئولوژی، فرهنگ سیاسی و... مردم آن دارند(چیلکوت، ترجمه: بزرگی، طبیب، ۱۳۹۱: ۷۲). به طور مشخص تر، بُعد ایده ای شامل ایده حاکمیت، تئوری ها و سازوکارهای نظری اداره جامعه توسط نظام حاکم است(ره پیک، زمانی، ۱۳۸۹: ۱۳)، که با تعبیر مختلفی چون «ایدئولوژی»، «قواعد تشکیل دهنده حاکمیت» و حتی «هویت ملی» از آن تعبیر شده است(عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۱۶۳، ۱۶۲، ۱۶۱، ۱۴۵؛ نقل از مقاله: قیصری، قربانی، ۱۳۹۴: ۱۳۶). سیاست و حکومت نقطه پیوند فرهنگ سیاسی و حکمرانی خوب است. حکمرانی خوب در درون یک نظام سیاسی معنا می یابد هرچند که در تحقق آن علاوه بر دولت، نهادهای مدنی و بخش خصوصی نیز مشارکت دارند. به عبارت دیگر حکمرانی خوب در ارتباط با دولت و نظام سیاسی موضوعیت پیدا می کند. از سوی دیگر فرهنگ سیاسی نیز پیوستگی دائمی با نظام سیاسی داشته و عنصری مهم و اثرگذار در آن محسوب می شود. آن چنانکه فرهنگ سیاسی عامل مهمی در تعیین ماهیت توزیع قدرت سیاسی انگاشته شده که نگرش ها و ارزش های جامعه در مورد سیاست را مشخص می کند. از این رو باید بر این نکته تأکید نمود که فرهنگ سیاسی بستر تحقق حکمرانی خوب در هر جامعه ای محسوب می شود. بانک جهانی نیز به آن اذعان دارد که برای تحقق حکمرانی خوب باید ظرفیت های آن فراهم باشد و بخش عمده ای از این ظرفیت ها در بستر سیاست و مخصوصاً در حوزه فرهنگ سیاسی وجود دارد (شریف زاده، قلی پور، ۱۳۸۲: ۱۰۸ به نقل از مقاله: حشمت زاده، حاجی یوسفی، طالبی، ۱۳۹۶: ۷).

نظام اداری هر حکومتی نیز از قالب فرهنگ سیاسی تاثیر می پذیرد و از طرف دیگر مبین نگرش حاکمیت و دولت به نحوه اداره و مدیریت آن فرهنگ و تاثیر آن در تحقق اهداف کلان نظام سیاسی و حقوقی در جامعه است. به طوریکه بدون طراحی یک نظام اداری منطقی و کارآمد، دستیابی به اهداف مزبور عملی نخواهد بود. در واقع نظام اداری به منزله بازوی اجرایی نظام سیاسی هر جامعه است و نظام اداری که خود مبتنی بر حقوق اداری است نقطه اشتراک علم حقوق، سیاست و مدیریت محسوب

می شود، که کارکرد های درست آن می تواند موجبات پویایی و بالندگی نظام، و کارکرد های نادرست آن، بدبینی، سلب مشروعیت و فروپاشی نظام حاکم را فراهم سازد.

شناخت دقیق نظام اداری، اصول، مبانی، شرایط محیطی و داخلی حاکم بر جامعه می تواند ما را در تبیین اهداف، راهبرد ها و نیز تدوین برنامه های اجرایی مطلوب در دولت کمک کند و زمینه تحقق اصلاح و کارآمدی نظام اداری را ایجاد نماید. همانطور که بیان گردید نظام اداری به عنوان بازوی نظام سیاسی عمل می نماید و نظام سیاسی نیز خود مبتنی بر بینان های نظری و ایده های موجود در فرهنگ سیاسی حاکم بر جامعه است، بدین لحاظ از یک سو، نظام اداری و تحولات مترتب بر آن تحت تاثیر نظام و فضای سیاسی آن کشور قرار دارد و از سوی دیگر انطباق توانمندی ها و قابلیت های نظام اداری با نقش یک دولت کارآمد؛ از اهداف تحول اداری محسوب می شود. با توجه به نقش محوری فرهنگ سیاسی در نظام سیاسی _ حقوقی می توان گفت که برای تحول اداری ما نیازمندیم که تمرکز عمیق تری در حوزه فرهنگ و توسعه نهادهای سیاسی داشته باشیم. نظر به اینکه دولت به معنای عام در این پژوهش در قالب یک «سیستم» دیده می شود، لذا برای کارآمدی دولت ضرورت دارد که، نگرش تحولی و اصلاحی را به صورت همزمان در ابعاد مختلف (فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی و اداری و...، البته با تاکید بیشتر بر ابعاد ترکیبی «فرهنگی _ سیاسی»، به دلیل بطئی و زمان بر بودن حصول نتایج آن در عرصه اجتماعی) نظام سیاسی - حقوقی مد نظر قرار گیرد.

۱۱،۴: نقش مردم سالاری و مردم سالاری دینی - اسلامی در حکمرانی مطلوب و با رویکرد اسلامی: در نظام جمهوری اسلامی ایران اراده خداوند منبع مشروعیت و اراده مردم، منبع قدرت مقبولیت و عینیت نظام است. در چنین نظامی است که اسلامیت و جمهوریت نه تنها در تضاد نیستند بلکه هر یک جایگاه منطقی و عقلی خود دارا بوده و لازم و ملزوم یکدیگرند. به عبارتی دیگر، نظام جمهوری اسلامی نه تئوکراسی و نه دموکراسی (مفهوم متداول در غرب) می باشد بلکه می توان آنرا نوعی «تئودموکراسی» دانست. به این ترتیب، مردم سالاری دینی در همین راستا تعریف می شود و تحقق می یابد (محمدی، ۱۳۸۰: ۱۵۷). امروزه مردم سالاری به دلیل: ۱. بن بست تئوریک اندیشه سیاسی غربی ۲. بن بست دموکراسی در مقام عمل ۳. بحران معنویت؛ یکی از اصول مورد اهتمام در جهان کنونی است. مردم سالاری دینی به معنای حق حاکمیت مردم بر سرنوشت اجتماعی خویش است که آنان این حق خداداد را براساس اصول، احکام اسلامی و مقاصد دینی اعمال می نمایند (نقیبی، ۱۳۹۷: ۱۲۹ و ۱۳۰). مردم سالاری دینی بیان کننده نوع حکومت است، کارآمدی مردم سالاری بر اساس شاخص های آن، کارآمدی حکومت، حاکمیت و دولت را در پی دارد و این خود بستر ساز تحقق حکمرانی مطلوب با رویکرد اسلامی می شود.

۱۲،۴: موانع تحقق حکمرانی خوب و با رویکرد اسلامی:

الف: وجود شکاف بین دولت و ملت در جوامع در حال توسعه که ریشه در شرایط تاریخی، اجتماعی و فرهنگی هر کشور دارد، مانع عمده ای در تحقق حکمرانی است. بنابراین هر گونه تلاش برای ایجاد و استقرار حکمرانی در یک جامعه به شکل برون زا خواهد بود و هنگامی که بسترهای ایدئولوژیکی، فرهنگی و زیر ساخت های لازم فراهم نباشد، رشد سریع فرهنگ دموکراتیک را در آن جوامع به ارمان نمی آورد (بدیعی ازندهای، عالم، ملک محمدی، واثق ۱۳۹۷: ۱۸۳). به طوری که در مقابل هر شاخص حکمرانی خوب، مؤلفه هایی از فرهنگ سیاسی قرار دارد که مانع از تحقق آن شاخص ها می شوند (نقیبی، ۱۳۹۷: ۱). برای رفع این موانع، باید به مقوله فرهنگ سیاسی بیش از گذشته توجه شود و اقداماتی عملی در راستای اصلاح فرهنگ سیاسی با تمرکز بر نقش دولت صورت گیرد (حشمت زاده، حاجی یوسفی، طالبی، ۱۳۹۶: ۱).

ب: نقش دولت در حکمرانی خوب مستلزم توجه به ارزش های بخش عمومی (همچون برابری و پاسخگویی) در کنار «کارایی» می باشد. این در حالی است که نگرش محدود تئوریهای سنتی و همچنین تاکید بیش از حد بر «بازارگرایی» و «معیار های

اقتصادی و کارایی در تئوریهای اخیر مدیریت دولتی»، چالش‌هایی [نظری] را برای اندشمندان و کارگزاران دولتی ایجاد کرده است، زیرا در حالیکه جامعه متشکل از سه حوزه دولت، بازار و جامعه مدنی می باشد (رزمی، صدیقی، ۱۳۹۱: ۷؛ بر گرفته از: Kooiman, ۲۰۰۳) از نقش عناصر دیگر، بویژه جامعه مدنی، غفلت کرده اند و صرفاً از بعد درونی و کنترل، و یا ارزش‌های بخش خصوصی و فرهنگ تجارت به مدیریت دولتی می نگرد (همان منبع: ۸؛ برگرفته از: Goodsell, ۲۰۰۶).

ج: "...چالش‌های «اندازه دولت»، «عدم دسترسی شهروندان به رهبران سیاسی»، «جا به جایی اهداف جمعی با اهداف فردی سیاستمداران» و «ماهیت منازعه آمیز نهادها و سازمان‌های ذی نفع در حکومت» از مهم ترین چالش‌های اصلی اجرای الگوی حکمرانی به شمار می روند. به بیان دقیق تر، اگر حکومتی، در یکی از این شاخص‌ها نزول کند، وضعیت حکمرانی در آن کشور در مجموع نزول خواهد کرد" (بدیعی ازندهی، عالم، ملک محمدی، واثق، ۱۳۹۷: ۱۸۳).

د: در حکمرانی خوب، تنها دولت مسئول نیست، بلکه تعامل حکومت، جامعه مدنی، بخش خصوصی و شهروندان با یکدیگر برای تحقق حکمرانی خوب ضرورت دارد، زیرا مرزهای نظام سیاسی و اجتماعی نفوذپذیر و متقاطع و در تعامل با یکدیگر است. عدم تعامل درست شهروندان و جامعه مدنی و انجمنهای اجتماعی و سیاسی با حکومت، [مانع تحقق] حکمرانی خوب [می باشد] (رزمی، صدیقی، ۱۳۹۱: ۱۰). بررسی مولفه‌های حکمرانی در ایران و همین‌طور مقایسه‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که جامعه مدنی در ایران، در وضعیت نحیفی به سر می برد، دولت نیز به دلیل ویژگیهای ساختاری و مواردی دیگر، از دولت قوی مدرن توسعه خواه فاصله دارد و نتیجه ضعف این دو مؤلفه حکمرانی، عدم دستیابی به اهداف توسعه‌ای است. هرگونه تضعیف نهادها و گروه‌های جامعه مدنی باعث می شود تا دولت، کارایی کافی را نداشته و جامعه، رفتار توسعه نیافتگی و فساد شود (همان منبع: ۷۲).

ه: [وجود معضلات و ابهامات نظری و عملی در ابعاد مختلف نظام جمهوری اسلامی] مانع کارایی، اثربخشی و بهره‌وری [کارآمدی] سیستم می شود. شاکله اصلی این معضلات بر اساس چهار عنصر ورودی سیستم (ابهام در منابع قدرت نظام)، فرآیندهای سیستم (ابهام در نقش و جایگاه عناصر نظام و ابهام در روابط قوا)، خروجی سیستم (ابهام در برنامه‌ها) و بازخوردگیری سیستم (ابهام در نظارت و ارزیابی سیستم) است (موسوی، واعظی، ۱۳۹۲: ۸).

و: دولت‌ها علاوه بر وظایف شناخته شده، می‌بایست وظایف استراتژیکی هم در حوزه رشد و توسعه با نقش‌انگیزی و شروع‌کنندگی در تمامی زمینه‌ها، مقابله‌گری با تنش‌ها و نوسانات شدید سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و کمک‌کنندگی نسبت به اقشار آسیب‌پذیر از طریق تامین اجتماعی و...

نتیجه‌گیری:

موضوع کارآمدی نظام سیاسی و حقوقی، به عنوان اساسی‌ترین اصل در تحقق حکمرانی خوب مطرح است و یکی از مطالبات نوین و اصیل اندیشمندان، نخبگان، سیاستمداران و متصدیان امور در جامعه امروزی ما است. تحولات بین‌المللی و نقش منطقه‌ای و جهانی ایران اقتضا دارد که جهت ارتقاء کیفیت حکمرانی، ارائه مدل‌های کارآمد در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی و در مجموع کارآمدی حوزه نظام سیاسی - حقوقی به عنوان یک الویت ضروری مورد توجه قرار گیرد. اصولاً پس از تشکیل حکومت‌ها، مسئله مهم دیگر تداوم حکومت و باز تولید «مشروعیت» است، که با عنصر «کارآمدی» محقق می‌شود. بدین منظور در پژوهش حاضر این سوال مطرح گردید که: «آیا کارآمدی نظام حاکمیتی (سیاسی - حقوقی) جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر مردم‌سالاری دینی نقش تعیین‌کننده در تحقق حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی دارد؟»؛ برای پاسخ به این سؤال، شاخص‌های مفاهیم کارآمدی، مردم‌سالاری، مردم‌سالاری دینی، حکمرانی مطلوب و با رویکرد اسلامی و ویژگی‌های ساختار، سازمان و ساختار سارمانی، نظام اداری، سیستم و نقش سیستم در کارآمدی دولت به معنای عام با روش توصیفی -

تحلیلی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاکی از آن است که حکمرانی خوب روایتی نو از مفاهیمی همچون کارآمدی، دولت، حاکمیت، دموکراسی، مردم سالاری دینی، حاکمیت قانون، حقوق بشر، پاسخگویی و مشارکت است، که همه این اهداف و ارزشها یکجا در قالب یک نظام یا سیستم چارچوب بندی می نماید. در نسخه حکمرانی اسلامی مبتنی بر مردم سالاری دینی محور امور بر اساس حاکمیت الهی و اقتدار مردمی (تئودموکراسی) بنا نهاده شده و توسعه جامعه و کمال انسانی را بر اساس احکام و دین الهی و محور توحید مد نظر گرفته است.

در نتیجه تداخل فزاینده میان جامعه مدنی و دولت ها بود که دولت به کانون توجه مسائل جهانی درآمد. در این میان سازوکار «حقوق سیاسی و مدنی»، امکان مشارکت در اعمال «قدرت سیاسی» برای اعضای اجتماع سیاسی فراهم کرد و دولت ها را به سمت سیاست های مردم سالارانه سوق داده است. امروزه رشد ملت-دولت ها، سازمان ها، نفوذ فعالان عرصه های مختلف در سطح بین المللی و فرا ملی و سازمان ملل و افزایش ارتباط و تعاملات متقابل دولت ها و نیاز دولت ها به همکاری های بین المللی سبب شده است که، تغییراتی در اقتدار دولت ها در سطح داخلی و بین المللی به وجود آید و در بعد داخلی حضور جامعه مدنی در عرصه قدرت سیاسی پر رنگ تر گردد. شاخص های «انطباق پذیری و انعطاف پذیری کارآمدی» در سطح «ساختار» دولت، این امکان را فراهم می آورد که، تغییرات لازم در مواجهه با شرایط و موضوعات زمانه با توجه به مفروضات مد نظر در مبانی نظری و سیاست های مصوب، در سیستم حکمرانی ایجاد شود و از این منظر حضور پر رنگ تر جامعه مدنی در عرصه قدرت سیاسی قابل توجه می باشد.

تنظیم و هماهنگی دستگاه های رسمی (حاکمیتی) و غیر رسمی (بخش خصوصی و جامعه مدنی) از کارکرد های مهم در حکمرانی مطلوب است که از طریق ساختار و سیستم کارآمد امکان پذیر است. در حکمرانی خوب نگاه و افق دید فرا تر از یک دستگاه و یا بخشی نگری است و از این جهت نوع نگاه کلی نگرانه آن با نوع نگاه سیستمی، هماهنگی و انطباق دارد. به دیگر سخن حکمرانی خوب بدون وجود یک سیستم کارآمد امکان پذیر نیست. از میان عناصر سه گانه حکمرانی (دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی)، دولت نقش بی بدیلی در تحقق حکمرانی خوب دارد. برای کارآمدی نهاد «دولت» مؤلفه های اساسی وجود دارد که شامل ساختار، سازمان، نظام اداری، سیستم و نگرش سیستمی، فرهنگ سیاسی و سیاستگذاری و خط مشی گذاری است.

با توجه به اینکه؛ «ساختار سازمانی»، چارچوب اساسی سیاست ها و قوانین سازمان است و هر سازمان تصمیمات و اقدامات و خطوط قدرت و ارتباطات خود را با بخش های رسمی و غیر رسمی بر اساس آن چارچوب تنظیم می کند، از این جهت، انتخاب ساختار مطلوب در کارآمدی یک سیستم نقش اساسی دارد. در حقیقت ساختار مطلوب یکی از ارکان اساسی تحقق سیستم حکمرانی خوب است.

در تعریف «سازمان» بیان شده است که: "نهادی اجتماعی «هدفمند» و «سیستمی» است که به سبب داشتن «ساختاری» آگاهانه، فعالیت های ویژه ای انجام می دهد و مرز های معینی دارد"؛ با توجه به عناصر این تعریف، می توان آنرا به عنوان «مفهوم اصلی نگرش سیستمی» تلقی کرد و نهاد «دولت» به نوعی بزرگترین سازمان و جزء «سیستم های اجتماعی» و دارای سیستم باز و پیچیده، اصلی و فرعی، مکانیکی و بعضاً ارگانیکی می باشد. در این نگرش، همه چیز را باید به صورت یک کل و نه یک جزء در نظر گرفت و با مدنظر قرار دادن همه قسمت ها و تعاملات داخل و خارجی آن کل، در مورد آن تصمیم گیری نمود.

شناخت دقیق «نظام اداری»، اصول، مبانی، شرایط محیطی و داخلی حاکم بر جامعه می تواند ما را در تبیین اهداف، راهبرد ها و نیز تدوین برنامه های اجرایی مطلوب در دولت کمک کند و زمینه اصلاح و تحقق کارآمدی نظام اداری را ایجاد نماید. «نظام اداری» به عنوان بازوی نظام سیاسی عمل می نماید و نظام سیاسی نیز خود مبتنی بر بنیان های نظری و ایده های موجود در «فرهنگ سیاسی» حاکم بر جامعه است، بدین لحاظ نظام اداری و تحولات مترتب بر آن تحت تاثیر نظام و فضای سیاسی آن

کشور قرار دارد. با توجه به نقش محوری «فرهنگ سیاسی» در نظام سیاسی-حقوقی؛ می توان گفت که برای تحول نظام اداری ما نیازمندیم که تمرکز عمیق تری در حوزه فرهنگ و توسعه نهادهای سیاسی داشته باشیم. نظر به اینکه دولت به معنای عام در این پژوهش در قالب یک «سیستم» دیده می شود، این نگرش نیازمند درک همزمان ساختار، عملکرد و فرآیند همراه با محیط است؛ لذا برای کارآمدی دولت ضرورت دارد که، نگرش تحولی و اصلاحی را به صورت همزمان در ابعاد مختلف (فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی و اداری و...)، البته با تاکید بیشتر بر ابعاد ترکیبی «فرهنگی-سیاسی»، نظام سیاسی-حقوقی مدنظر قرار گیرد.

در سلسله ارتباطات میان قدرت سیاسی، فرهنگ سیاسی، حاکمیت، حکومت، جامعه سیاسی و جامعه مدنی، دولت و حکمرانی خوب و اسلامی می توان گفت که؛ «قدرت سیاسی» منشأ «حاکمیت» و «حکومت»، در بستر «جامعه سیاسی»؛ و «سیاست» و «حکومت» نیز نقطه پیوند «فرهنگ سیاسی» و «حکمرانی خوب» است. حکمرانی خوب نیز در درون یک نظام سیاسی معنا می یابد، به بیان دیگر؛ حکمرانی خوب در ارتباط با دولت و نظام سیاسی موضوعیت پیدا می کند (گرچه در تحقق حکمرانی خوب، نهادهای مدنی و بخش خصوصی نیز مشارکت دارند و نهادهای فراملی و کنشگران بین المللی هم تاثیر گذارند). فرهنگ سیاسی خود نیز در تعیین ماهیت توزیع قدرت سیاسی و «نگرش و ارزش های جامعه» در مورد سیاست، نقش دارد. با این توصیف می توان گفت که، فرهنگ سیاسی زمینه ساز کارآمدی نظام حکومتی و تحقق حکمرانی خوب در هر جامعه ای می باشد.

«مردم سالاری دینی» بیان کننده «نوع و شیوه حکومت» و به معنای حق حاکمیت مردم بر سرنوشت اجتماعی خویش است که این حق خداداد را براساس اصول، احکام و شاخصه های اسلامی و مقاصد دینی اعمال می نمایند، کارآمدی مردم سالاری، بستر ساز تحقق حکمرانی مطلوب با رویکرد اسلامی می شود.

فرآیند خط مشی گذاری عمومی با انجام مجموعه ای متعامل از فعالیتها، اقدامات (شناسایی مسئله، هدف گذاری، تولید اقدامات، تصمیمات، اجرا و ارزیابی) و ارتباط و تعامل با بازیگران مختلف در حوزه حاکمیتی و نهادها اجتماعی و مدنی؛ در قالب اسناد و قوانین بالا دستی به عنوان سیاست های قابل اجرا در حکمرانی خوب بروز می یابد. از این جهت خط مشی گذاری مطلوب (بدون مداخلات غیر معمول و آسیب های خط مشی گذاری) نقش اساسی در حکمرانی خوب دارد.

در سیر تحولات مفهوم دولت در ادوار گذشته مشاهده می شود که با حکمرانی دارای مفهومی مشترک بوده اند. بدین لحاظ این دو واژه هم اکنون نیز به لحاظ مفهومی دارای ابهاماتی می باشد. نتیجه ابهامات این خواهد بود که مسائل مربوط به خط مشی، فقط تبدیل به یک مسئله دولتی می شود و نقش سایر ابزارها، کارکردها و عناصر حکمرانی (جامعه مدنی و بخش خصوصی در بعد داخلی و سازمان ها، تجمعات بین المللی و فراملی سازمان ملل، نفوذ کنشگران بین المللی، با توجه به گره خوردن مبانی ایدئولوژیک، اهداف فرهنگی و سیاسی و منافع اقتصادی و... کشورها بایکدیگر در بعد خارجی) مغفول بماند. امروزه به موضوع حکمرانی تنها از منظر داخلی نمی توان نگریست، چرا که تاثیرات روز افزون شرایط بین المللی بر کار ویژه های داخلی و خارجی «حاکمیت دولت-کشورها» غیرقابل انکار است، البته این مطلب هم به معنای پذیرش «نظم جهانی» مورد نظر کشور های استعمارگر نیست.

در قانون اساسی ج.ا.ا راجع به دولت معانی مختلف و تعاریف متعددی بکارگیری شده است و از این حیث مفهوم دولت دچار تشویش است. اگرچه ماهیت دولت موضوعیت پیدا کرده است لیکن در عرصه تئوریک دارای تاملات و مواضع ناروشنی است و اجماع چندانی بر سر تعریف دولت و الزامات آن به چشم نمی خورد. هرگونه ابهام و تعارض در مورد چیستی دولت، به نحوی در نسبت دولت با جامعه بازتاب می یابد و نتیجه آن تعارض در رابطه این «کلان سازمان» با دیگر «نهادهای مدنی و گروه های اجتماعی» خواهد بود. در چنین شرایطی، تحقق حکمرانی مطلوب با اخلال مواجه خواهد شد.

بر اساس پژوهش‌های انجام شده و بررسی مولفه‌های حکمرانی در ایران و تطبیق آن با حوزه‌های بین‌المللی (به شرح مندرج در بخش تحلیلی پژوهش) نشان می‌دهد که جامعه مدنی در ایران، به لحاظ مشارکت در امر حکمرانی خوب در وضعیت مطلوبی به سر نمی‌برد و دولت نیز به دلیل ویژگی‌های ساختاری و ... دارای کارآمدی لازم نیست.

در آخر اینکه: ساختار سازمانی، نظام اداری، حاکمیت، حکومت، مردم‌سالاری، دولت، جامعه مدنی، بخش خصوصی، سیاستگذاری و فرهنگ سیاسی هرکدام بعدی از ابعاد حکمرانی را به اجرا می‌گذارند و به عنوان متغیرهای تاثیرگذار بر حکمرانی خوب، تاثیرات متقابلی نیز بصورت زنجیره‌ای بر یکدیگر دارند، به طوری که موفقیت یکی مستلزم انتخاب، عملکرد، شرایط مکانی و زمانی و وضعیت محیطی مناسب دیگری است. به ترتیب هر «سازمان» نیازمند «ساختار مطلوب»، ساختار سازمانی مطلوب نیازمند به یک «نظام اداری مستحکم» (به عنوان بازوی اجرایی نظام سیاسی) و نظام اداری نیز نیازمند «حاکمیتی» است که واجد «اقتدار» لازم بوده و «حکومت» را با نوع و شیوه مطلوب و کارآمد آن، طراحی نماید، حاکمیت و حکومت خود نیز نیازمند «دولتی» است که ضمن اجرای شاخص‌های کارآمدی، تعامل و مشارکت مطلوبی با دیگر ارکان حکمرانی یعنی «جامعه مدنی» و «بخش خصوصی و شهروندان» داشته و با «سازمان‌ها، تجمعات بین‌المللی و فراملی سازمان ملل و کنشگران بین‌المللی» تعامل و روابط مدبرانه بر اساس عزت و مصلحت و در چارچوب اهداف و مبانی دینی داشته باشند؛ و اینکه، «صلابت و اتقان مبانی نظری، وجود تعریفی شفاف از مفاهیم مربوط و توسعه فرهنگی بویژه «فرهنگ سیاسی» به جهت نقش محوری آن در توسعه و تحول «زیرسیستم‌ها» و «سیستم یکپارچه نظام حاکمیتی»، این موارد عواملی هستند که در تحقق حکمرانی مطلوب و اسلامی موثرند.

پیشنهادهات :

۱. اولین قدم برای کارآمدی نظام سیاسی-حقوقی و سایر عناصر حکمرانی خوب و اسلامی، وجود اراده و احساس نیازی است که در قالب خواسته‌های موسسان یا کاربران آن سیستم باید بروز و ظهور یابد.

۲. سالانه کارآمدی عناصر تحقق بخش حکمرانی خوب و اسلامی را بر اساس شاخص‌های کارآمدی و در قالب یک سیستم ارزیابی گردد.

۳. وجود معضلات و ابهامات نظری و عملی در ابعاد مختلف نظام جمهوری اسلامی، مانع کارآمدی سیستم می‌شود. که شاکله اصلی این معضلات بر اساس چهار عنصر زیر می‌باشد:

الف: ورودی سیستم (ابهام در منابع قدرت نظام): «مشروعیت» به عنوان یک ویژگی در نظام حاکمیتی که زمامدار به وسیله آن حکمرانی می‌کند یا به معنای اعمال قدرت یا حق حکمرانی به همراه «حقانیت» به مثابه ورودی و بخش زیربنایی سیستم یا نظام سیاسی است، برای تداوم و ادامه حکومت و بازتولید مشروعیت آن نیازمند رضایت و مقبولیت مردمی است که پیش زمینه آن عنصر «کارآمدی نظام» است در صورت ابهام در آن دچار اختلال می‌شود، پیشنهاد می‌گردد قانون اساسی به عنوان میثاق ملی از شفافیت بیشتری برخوردار گردد.

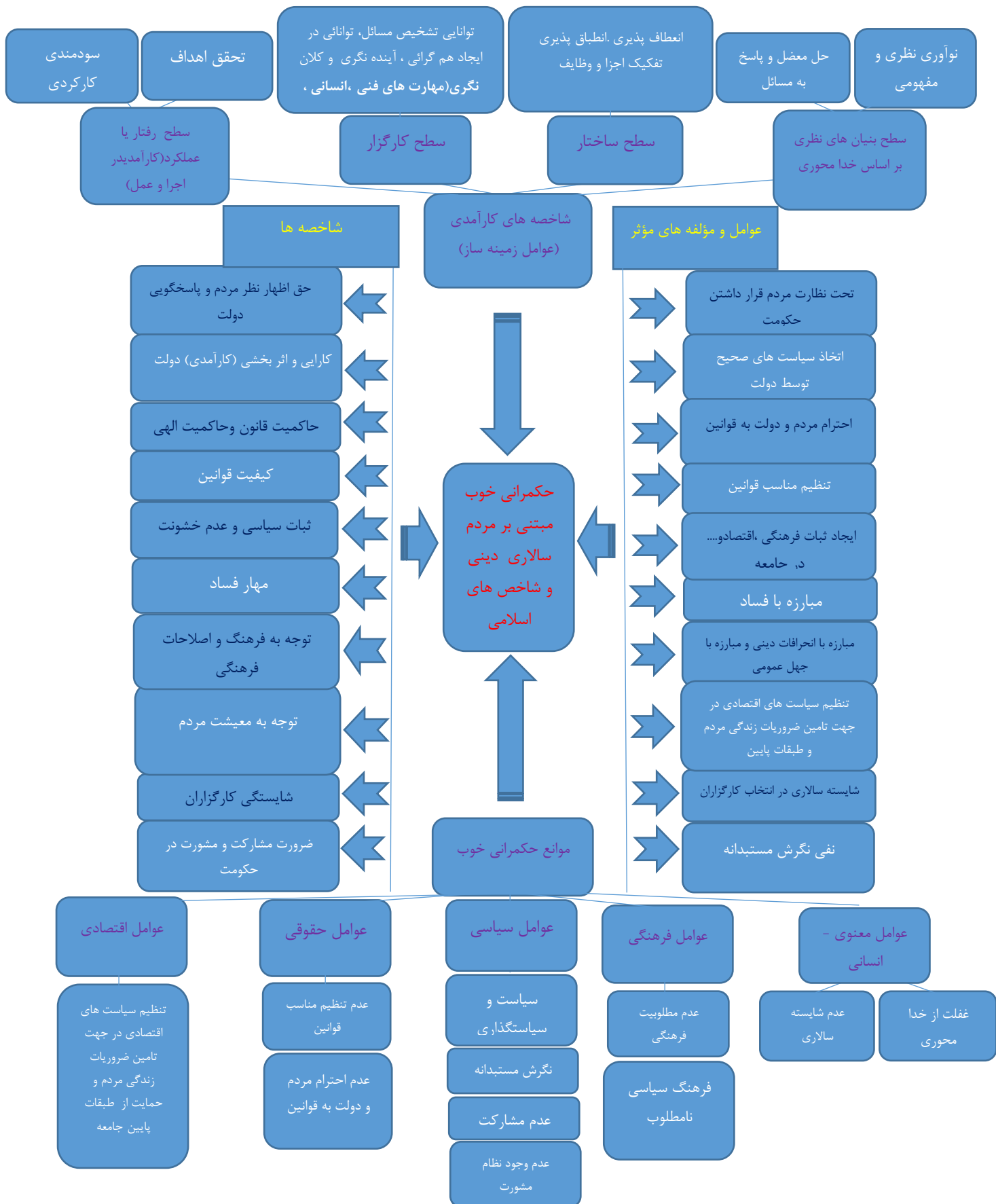
ب: فرآیندهای سیستم (ابهام در نقش و جایگاه عناصر نظام و ابهام در روابط قوا):- ابهام زدایی در حوزه قوانین کشور در خصوص نوع تعامل و همکاری میان دستگاه‌ها و نهاد‌های حاکمیتی و دستگاه‌های دخیل در تدوین سیاستگذاری.

- مشارکت بیشتر شهروندان (نخبگان، جامعه مدنی، بخش خصوصی، تشکل‌های تخصصی و...) با بخش‌های حاکمیتی در امر سیاستگذاری در قالب سیستم و نظام حکمرانی کشور.

ج: خروجی سیستم(ابهام در برنامه ها): خروجی سیستم درنظام سیاسی از سنخ «حکم» و «برنامه» است. به عنوان نمونه شامل: قانون اساسی، سیاست های کلی، سند چشم انداز، برنامه توسعه پنج ساله، برنامه-لایحه بودجه سالانه...، با این توصیف کارآمدی معطوف است به عدم ابهام در حوزه های تقنین، اجرا و نظارت و ارزیابی؛ پیشنهاد این است که «احکام» و «برنامه» با رعایت مقتضیات روز، آینده نگری، متدهای علمی استاندارد، به دور از آسیب های سیاستگذاری و رعایت چارچوب ها و اهداف مد نظر «سیستم» یا نظام کلان سیاسی-حقوقی تدوین شود.

د: بازخوردگیری سیستم(ابهام در نظارت و ارزیابی سیستم): تعدد نهاد های نظارتی موجب ابهام در وظایف و عملکرد ها می شود؛ پیشنهاد می گردد نگرش سیستمی در حوزه نظارتی با تاکید بر رعایت شاخص های کارآمدی در آن سیستم مد نظر قرار گیرد.

۴. ارائه مدل مفهومی حکمرانی خوب و با رویکرد دینی- اسلامی؛ تلفیقی از مبانی نظری که در منابع مختلف(قیصری، قربانی، ۱۳۹۴: ۱۲۹-۱۴۸، حشمت زاده، حاجی یوسفی، طالبی، ۱۳۹۶: ۱۱؛ مقاله نظریه حکمرانی خوب از دید گاه نهج البلاغه، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، و از بخشی از نمودار، مدل و الگوی مقاله، یوسفی شیخ رباط، بابائی، ۱۳۹۷: ۱۲۹ و... یافت گردید، در قالب مدل ذیل مورد استفاده قرار گرفته است.



مدل مفهومی مطلوب حکمرانی خوب و با رویکرد دینی - اسلامی

فهرست منابع و مأخذ:

الف: کتب:

اول: فارسی

۱. ابطحی، حسین (۱۳۷۴) فرهنگ لغات و اصطلاحات مدیریت، تهران: نشر قومس
۲. ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۷۰) مبانی سیاست، جلد اول، چاپ ششم، تهران: توس
۳. الوانی، سید مهدی، شریف زاده، فتاح (۱۳۹۲)، "فرآیند سیاستگذاری عمومی"، چاپ یازدهم، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی
۴. الوانی، سید مهدی (۱۳۷۹)، تصمیم گیری و تعیین خط مشی دولتی، تهران: انتشارات سمت
۵. استرمن، جان دی (۱۳۹۵)، "پویایی شناسی کسب و کار: تفکر سیستمی و مدل سازی برای جهانی پیچیده"، ترجمه کوروش برارپور، بنفشه بهزاد و لاله رضایی عدل، تهران: انتشارات سمت
۶. امیر کبیری، علی رضا (۱۳۷۴) سازمان و مدیریت، نشر هور، تهران
۷. انجمن فارغ التحصیلان مدیریت دولتی (۱۳۸۹)، "اشتغال چالش ها و راهکارها، چاپ اول، سال، تهران: انتشارات فارغ التحصیلان مدیریت دولتی ایران
۸. آندره دو میشل و پی یر لالومی یر (۱۳۷۶)، حقوق عموم، ج ۱، ترجمه ابوالفضل قاضی شریعت پناهی، تهران
۹. بشیریه، حسین (۱۳۹۱)، "جامعه شناسی سیاسی"، چاپ بیستم، تهران، نشر نی
۱۰. بشیریه، حسین، (۱۳۸۰)، جامعه شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، چاپ هفتم، تهران، نشر نی،
۱۱. بوشهری، جعفر (۱۳۸۴)، مسائل حقوق اساسی، انتشارات شرکت سهامی انتشار
۱۲. بیتهم، دیوید و بویل کوئل (۱۳۸۶) دموکراسی چیست؟ (آشنایی با دموکراسی)، ترجمه شهرام نقش تبریزی، تهران، انتشارات ققنوس
۱۳. پروین، خیرالله، (۱۳۹۳)، مبانی حقوق عمومی، تهران: چاپ دوم، انتشارات سمت،
۱۴. جکسون، مایکل سی (۱۳۹۵)، "تفکر سیستمی: کل گرایی خلاق برای مدیران"، ترجمه علی محمد احمدوند و غلام جابقلیان، چاپ دوم، تهران: جهان جام جم
۱۵. جواد آملی، عبدالله (۱۳۸۷) جامعه در قرآن، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۶. چیلکوت، رونالد (۱۳۹۱)، نظریه های سیاست مقایسه ای، ترجمه وحید بزرگی، علیرضا طیب، چاپ چهارم، تهران: نشر رسا
۱۷. دانش فرد، کرم الله، (۱۳۹۲)، "مبانی خط مشی گذاری عمومی"، نشر نیاز دانش، چاپ اول
۱۸. دفت، ریچارد ال (۱۳۷۷-۱۹۹۸)، تئوری سازمان و طراحی ساختار، ترجمه: علی پارسائیان و محمد اعرابی، دفتر، تهران

۱۹. ذوعلم، علی (۱۳۸۷) تجربه کارآمدی حکومت ولایتی، چاپ پنجم، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
۲۰. رایینز، استیفن پی، (۱۳۷۸) تئوری سازمان، ترجمه: مهدی الوانی و حسن دانائی فرد، نشر صفار، تهران
۲۱. رایینز، استیفن پی (۱۳۷۷)، مدیریت رفتار سازمانی، ترجمه: علی پارسائیان و محمد اعرابی، ج ۳ تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی
۲۲. رنی، آستین، (۱۳۷۸)، حکومت: آشنایی با سیاست، تهران: مرکز نشر دانشگاهی
۲۳. رضائیان، علی (۱۳۸۵)، مبانی سازمانی و مدیریت، تهران، انتشارات سمت
۲۴. سیف زاده، سید حسین (۱۳۷۳)، "نظریه های مختلف درباره راههای گوناگون نوسازی و دگرگونی سیاسی، تهران: نشر قومس
۲۵. عابد جعفری، حسن و کیمیایی، علیرضا (۱۳۷۶) "فرهنگ جامع مدیریت"، تهران: انتشارات اندیشه خلاق ثامن الحجج (ع)
۲۶. عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۶)، بنیاد های علم سیاست، تهران نشر نی
۲۷. عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳)، نظریه هایی امنیت، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران
۲۸. علی بابایی، غلامرضا، (۱۳۷۸)، فرهنگ علوم سیاسی ج ۱، واژه «دموکراسی»
۲۹. عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۸۳) درآمدی بر فقه سیاسی؛ مروری بر کلیات ومبانی حقوق اساسی، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر
۳۰. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۴)، "مبانی حقوق عمومی"، جلد اول، سال، تهران: انتشارات امیر کبیر
۳۱. غمامی، سیدمحمد مهدی (۱۳۹۰) حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران
۳۲. فوکو، میشل (۱۳۷۰) قدرت انضباطی و تابعیت، قدرت فرّ انسانی یا شرّ شیطانی، استیو لوکس، ترجمه فرهنگ رجایی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول، تهران
۳۳. قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۸۰) بایسته های حقوق اساسی، دادگستر، چاپ ششم
۳۴. قاضی، ابوالفضل، (۱۳۸۴) "بایسته های حقوق اساسی"، تهران، چاپ بیست و یکم، نشر میزان
۳۵. قاضی شریعت پناهی، سید ابوالفضل، بایسته های حقوق اساسی، تهران ۱۳۸۸: نشر میزان، چاپ ششم
۳۶. قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۶۸) حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، دانشگاه تهران، چاپ ششم
۳۷. گلریز، حسن (۱۳۸۶) فرهنگ توصیفی لغات و اصطلاحات علوم اقتصاد، مرکز آموزش بانکداری
۳۸. لاریجانی، محمد جواد (۱۳۷۴) حکومت و مباحثی در مشروعیت و کارآمدی، تهران انتشارات سروش
۳۹. لک زایی، نجف (۱۳۸۷)، "درآمدی بر مستندات قرآنی فلسفه سیاسی امام خمینی"، قم، انتشارات بوستان کتاب
۴۰. مرعشی، سید جعفر و همکاران (۱۳۹۱)، تفکر سیستمی و ارزیابی کارآمدی آن در مدیریت جامعه وسازمان، تهران: سازمان مدیریت صنعتی
۴۱. مرکز مالگیری، احمد، "حاکمیت قانون (مفاهیم، مبانی و برداشت ها)"، ۱۳۸۵، تهران، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی

۴۲. منتسکیو، شارل دو (۱۳۷۰)، روح القوانين، ترجمه و نگارش علی اکبر مهتدی، مقدمه و تصحیح و تعلیقات از محمد محمد پور، امیرکبیر، ویراست دوم، چاپ نهم، ۱۳۷۰

۴۳. مشیر زاده، حمیرا (۱۳۹۲)، تحول در نظریه های روابط بین الملل، چاپ هشتم، تهران: انتشارات سمت

۴۴. معینی، صفرا، (۱۳۷۰) فرهنگ واژه ها و اصطلاحات مدیریت و سازما، تهران: وزارت کشاورزی

۴۵. ملک محمدی، حمید رضا، ۱۳۸۳، سیاستگذاری عمومی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول

۴۶. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۶)، حکومت جهانی مهدی (عج)، انتشارات نسل جوان، جلد اول،

۴۷. مینتز برگ، هنری، "سازماندهی پنج الگوی کارساز"، ترجمه ابوالحسن فقیهی، حسین وزیری سابق، چاپ پنجم، سال ۱۳۸۸، تهران: انتشارات مدیریت دولتی،

۴۸. وردی نژاد، فریدون، رشتیانی، بهرام (۱۳۹۴)، سیاستگذاری و مدیریت رسانه، تهران انتشارات دانشگاه تهران

۴۹. هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی تطبیقی (تقریرات دوره کارشناسی ارشد)، سال تحصیلی ۱۳۸۸-۱۳۸۹

۵۰. های، کالین (۱۳۸۵)، درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی، ترجمه احمد گل محمدی، تهران، نشر نی

۵۱. هیوز، آون، (۱۳۸۸) مدیریت دولتی نوین، ترجمه سید مهدی الوانی، تهران، مروارید

دوم: انگلیسی

۱. Austrian Development Agency (۲۰۱۱). Evaluation of the Austrian Development Cooperation (ADC) Gender Policy between ۲۰۰۴-۲۰۱۱. Federal Ministry for European and International Affairs and the Evaluation Unit of the Austrian Development Agency

۲. Almond, G. A and B. Pawell. (۱۹۹۲). Comparative Politics: A Worldview. New York: Harper Collins Publishers, p. ۳۹

۳. Applebaugh, J. (rapporteur), "Governance Working Group", power-point presentation, National Defense University and ISAF, ۲۰۱۰, slide ۲۲

۴. Avram, Cristina (۲۰۱۴). Good Governance and Doing Business: Evidence from a Cross-country Survey. Transylvanian Review of Administrative Science (۴۱)

۵. Barney JB, Griffin RW. The Management of Organization. Boston: Houghton Mifflin company; ۱۹۹۲

۶. Coicaud, Jean-Marc. (۲۰۰۴). Legitimacy and Politics, A Contribution to the Study of Political Right and Political Responsibility, translated and edited by David Ames Curtis, Cambridge University Press.

۷. DeVILLIERS (M.), ۱۹۹۹, Dictionnaire de droit constitutionnel, Paris, Armand Colin, ۲e. ed
۸. Doornbos M (۲۰۰۳). "Good Governance: The Metamorphosis of Policy Metaphor", Journal of International Affairs; No. ۱
۹. Ernst, Dieter, & Hart, David. (۲۰۰۷). Governing the Global Knowledge Economy: Mind the Gap. Atlanta Conference on Science, Technology and Innovation Policy. Georgia Tech
۱۰. Farajollahi M, Hasani K, Safari S, Moeinikia M. Designing of the Organizational Structure of Open and Distance Universities: The Case Study of Payame Noor University. Research in school and virtual learning Journal; ۲۰۱۷; ۴(۱۵) , [Persian]
۱۱. John Dunn, Contemporary Crisis of the Nation State, London: Blackwell, ۱۹۹۵
۱۲. Kaufmann, Daniel, Kraay, Aart & Lob, Pablo. (۲۰۰۲). Governance Matters II: Updated Indicators for ۲۰۰۰-۰۱. World Bank Policy Research Working Paper, (۲۷۷۲)
۱۳. Kaufmann, Daniel, Kraay, Aart & Lob, Pablo. (۲۰۰۲). Governance Matters II: Updated Indicators for ۲۰۰۰-۰۱. World Bank Policy Research Working Paper, (۲۷۷۲)
۱۴. Kaufmann, Daniel, Kraay, Aart & Lob, Pablo. (۲۰۰۲). Governance Matters II: Updated
۱۵. Indicators for ۲۰۰۰-۰۱. World Bank Policy Research Working Paper, (۲۷۷۲)
۱۶. Kaufmann , D., Kraay, A. and Mastruzzi, M. (۲۰۰۹). "Governance matters VIII: Aggregate and individual governance indicators ۱۹۹۶-۲۰۰۸," World Bank Policy Research Working Paper ۴۹۷۸
۱۷. Lyon, p (۲۰۰۰) Partnership for Good Governance in the ۲۱st Century, Australian Journal of Public Administration, Vol. ۵۹
۱۸. Parkinson, John. (۲۰۰۶). Deliberating in the Real World ,Problems of Legitimacy in Deliberative Democracy, Oxford University Press,
۱۹. Simmons, John.(۲۰۰۱). Justification and Legitimacy, Essays on Rights and Obligations, Cambridge University Press,
۲۰. Weiss, T (۲۰۰۰). Good Governance and Global Governance. Third World Quarterly, Vol. ۲۱. Www. World- Governance.org
۲۱. M. Bevir, "Governance: A Very Short Introduction," Oxford University Press, Oxford, UK, ۲۰۱۳.

۲۲.M. Hufty, "Investigating Policy Processes: The Governance Analytical Framework (GAF)," in Research for Sustainable Development: Foundations, Experiences, and Perspectives, ۲۰۱۱

۲۳.M. Bevir, "Governance: A Very Short Introduction," Oxford University Press, Oxford, UK, ۲۰۱۳

۲۴.Punyaratabandhu Suchitra. Commitment To Good Governance, Development & Poverty Reduction: Metodological Issues in the Evaluation of Progress at National & Local levels. A Paper Prepared for the Sixth Session the Committee on Development Policy, ۲۹ March-April ۲۰۰۴, National Institute of Development Administration ۱۳Bangkok, Thailand

۲۶.United Nations Development Program. Governance for Sustainable Human Development, New York: Oxford University Press. ۱۹۹۷

۲۷.United nations Economic and social commission for Asia and the pacific . what is good Governance? Presented in <http://www.Human settlements>

۲۸.Richard English, The State: Historical and Political Dimentions, London and New York: Routledge, ۱۹۹۹, p. ۲۰-۲۵

۲۹.Mirkamali SM, Rezaeian S. A Model for Classification and Study of Success Factors in International Collaborative Networks. Innovation Managment Journal . ۲۰۱۵ ; ۴ (۱) . [Persian]

۳۰. Willem, A.; Buelensa, M. (۲۰۰۹). "Knowledge sharing in inter-unit cooperative episodes: The impact of organizational structure dimensions";International Journal of Information Management, ۲۹(۲)

۳۱.Ramezan M. (۲۰۱۱). "Intellectual capital and organizational organic structure in knowledge society: How are these concepts related?" International Journal of Information Management, ۳۱(۱)

۳۲.Liao, C.; Chuang, S.H. & To, P.L. (۲۰۱۱). "How knowledge management mediates the relationship between environment and organizational structure"; Journal of Business Research, ۶۴(۷)

۳۳.Kooiman, Jan. Governing as governance, London, Sage Publication, (۲۰۰۳)

۳۴. Goodsell, Charles. A new vision of accountability under the new approach to public governance, International Review of Administrative Science. ۶۶:۴, (۲۰۰۶)

ب: مقالات :

۱. اکبری، فیض اله؛ کوی سقس، فاطمه؛ محمودی، محمود؛ عرب، محمد، "تعیین میزان تحقق اهداف برنامه تحول اداری در دانشگاه های علوم پزشکی کشور"، طرح پژوهشی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، سال ۱۳۸۶
۲. آجلو، اسماعیل و دانیال طاهری، "آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی بررسی مفهوم قدرت سیاسی"، پژوهشکده شورای نگهبان، شماره ۱۳۹۵۰۰۳۵، شهریور ۱۳۹۵
۳. اخوان کاظمی، بهرام، "اهداف و کارکرد های نظارت در نظام سیاسی اسلام، جستارهای سیاسی معاصر، سال اول، شماره دوم، ۱۳۸۹
۴. امامقلی پور، سارا، آسمانه، زهرا، شاخص حکمرانی در اسلام و تاثیر آن بر بروندهای سلامت در ایران"، فصلنامه علمی _ ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره پانزدهم، تابستان ۱۳۹۵
۵. بردبار، غلامرضا، ضرابی زاده، شیما، صالحی طاهر، "ارائه الگوی حکمرانی خدا مدار"، فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت اسلامی، سال ۲۳، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۴
۶. عبدیعی ازندهی، مرجان، عالم، ریحانه، ملک محمدی، حمیدرضا، واثق، محمود، "حکمرانی در قرن ۲۱ و چالش های پیش روی آن"، فصل نامه آمایش سیاسی فضا، دوره ۱، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۷
۷. پاداش زیوه، حمید، خداپناه، بهمن، "برآورد تأثیر شاخص های حکمرانی خوب بر اقتصاد دانش بنیان در کشورهای منتخب"، فصلنامه علمی پژوهشی برنامه و بودجه، سال بیستم شماره ۳، پاییز ۱۳۹۴
۸. توحید فام، محمد، "ساختار های آینده ملت-دولت ها و چالش های فراروی آنها"، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۶
۹. جمشیدی، محمدحسین، "ویژگیهای حکومت مطلوب از منظر امام خمینی قدس سره"، فصلنامه متین، شماره ۹، سال ۱۳۸۶
۱۰. حشمت زاده، محمدباقر؛ حاجی یوسفی، امیر محمدعلی؛ طالبی، محمد، "بررسی موانع تحقق حکمرانی خوب در فرهنگ سیاسی ایران"، فصلنامه جستار های سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هشتم، شماره اول، بهار ۱۳۹۶
۱۱. حسینی زاده، سید محمد علی، "تأملی بر مبانی مشروعیت نظام سیاسی"، فصلنامه سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۸، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۷
۱۲. خسروی، غلامرضا، "مشروعیت سیاسی"، مجله بازتاب اندیشه، شماره ۲۴، اردیبهشت ۱۳۸۰
۱۳. دارا، جلیل، خاکی، محسن، "کارآمدی و تداوم نظام مردم سالار دینی از منظر سرمایه اجتماعی، فصلنامه علمی مطالعاتی انقلاب اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، دوره ۱۴، شماره ۵۱، زمستان ۱۳۹۶
۱۴. دباغ، سروش، نفری، ندا، تبیین مفهوم خوبی در حکمرانی خوب، نشریه مدیریت دولتی، دوره ۱، شماره ۳، ایز و زمستان ۱۳۸۸

۱۵. درخشه، جلال، موسوی نیا، سید مهدی، "مؤلفه های حکمرانی شایسته در سیره حکومتی پیامبر اسلام(ص)" دو فصلنامه پژوهش های علم دین، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال نهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۷
۱۶. ذینفعان در خط مشی گذاری عمومی "، فصلنامه دانش حسابرسی، سال هفدهم، شماره ۶۶، بهار ۱۳۹۶
۱۷. رایینز، استیفن پی، تئوری سازمان، ترجمه: مهدی الوانی و حسن دانائی فرد، نشر صفار، تهران، ۱۳۷۸
۱۸. رایینز، استیفن پی، مدیریت رفتار سازمانی، ترجمه: علی پارسائیان و محمد اعرابی، دفتر پژوهش های فرهنگی، ج ۳ تهران ۱۳۷۷
۱۹. رزمی، محمد جواد، صدیقی، سمیه، "الزامات تحقق حکمرانی خوب برای دستیابی به توسعه انسانی"، چهارمین همایش ملی اقتصاد ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر، آذر ماه ۱۳۹۱
۲۰. ره پیک، سیامک، زمانی، علی اکبر (۱۳۸۹)، "امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران در چشم انداز ۱۴۰۴، ابعاد، شاخص ها و راهکارها"، پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، پاییز ۱۳۸۹ شماره ۱۱
۲۱. ریاحی، بهروز، نصرتی، علی رضا، "نگرش سیستمی در تدوین راهبردهای باز مهندسی ساختار نظام اداری کشور"، فصلنامه پژوهشی مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، سال اول، شماره ۳، سال ۱۳۹۶
۲۲. رئیسون، محمد رضا، عباسپور، عباس، رحیمیان، حمید، خورسندی طاسکوه، علی، برزویان شیروان، صمد، "واکاوی مولفه های ساختار سازمانی دانشگاه های علوم پزشکی در گذار به دانشگاه نسل سوم"، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، دوره ۲۵، ویژه نامه آموزش پزشکی، تابستان ۱۳۹۷
۲۳. ستاری، سجاد، پارادایم قدرت به مثابه رهیافت نظری جدید و جایگزین نظریات "دولت" و "نظام سیاسی"، پژوهشگاه علوم سیاسی، تابستان ۱۳۹۰ شماره بیست سوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، شماره ۲۲
۲۴. سدیدپور، سعیده سادات، سنجقی، محمد ابراهیم، شیرازی حسین، "الگوی حکومت مردم سالاری دینی مبتنی بر بیانات مقام معظم رهبری (دامت برکاته)"، فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت اسلامی، سال ۲۳، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۴
۲۵. شاه آبادی ابوالفضل، جامه بزرگی، آمنه، "نظریه حکمرانی خوب از دیدگاه نهج البلاغه"، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، سال اول، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۲
۲۶. شریف زاده، فتاح و رحمت الله قلی پور، "حکمرانی خوب و نقش دولت"، فرهنگ مدیریت، سال اول، شماره چهارم، ۱۳۸۲
۲۷. طهماسب کاظمی، بهروز، "نگرشی نوین در تبیین نظری حکمرانی و توصیف ویژگی های ج. ا. ا"، نشریه علمی پژوهشی مدیریت فردا، سال پانزدهم، پاییز ۹۵
۲۸. صانعی، مهدی، "حکمرانی خوب مفهومی نو در مدیریت دولتی"، فصلنامه تدبیر، شماره ۱۷۸، اسفند ۱۳۸۵
۲۹. صانعی، مهدی، اصول پنج گانه حکمرانی خوب حاکمیت دولت یا حکمرانی خوب، روزنامه رسالت، ۴ مهر ۱۳۸۹، شماره ۷۰۹۱، برگرفته از سایت: <https://www.magiran.com>
۳۰. صداقت کیش، فاطمه، نصرالهی، سامان، تأملی در مفاهیم و ابعاد "توسعه سیاسی" و "حکمرانی خوب"، (مروری اجمالی بر مقاله ها و نظریه های موجود)، کنفرانس بین المللی نخبگان مدیریت ۱۲ خرداد ۱۳۹۵

۳۱. عباسی، ب. (۱۳۸۷)، "بررسی روش های اعمال مردم سالاری مستقیم و نیمه مستقیم"، فصلنامه حقوق ؛ دانشکده حقوق و علوم سیاسی ، ۳۸(۲)
۳۲. عسگری ساجدی، محمد، "تاثیر توسعه نهادهای سیاسی بر تحول نظام اداری"، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۶۱، سال ۱۳۸۴
۳۳. عطار، سعید ، خواجه نائینی ، علی ، ۱۳۹۴، بررسی و تحلیل عوامل موثر بر ناکارآمدی سیاستگذاری در ایران ، فصلنامه سیاستگذاری عمومی ، دورا ۱، شماره ۱،
۳۳. علیزاده، محسن، عرب، محبوبه، تاثیر حکمرانی خوب بر توسعه انسانی، ششمین کنفرانس بین المللی مدیریت، ۱۳۸۷
۳۴. فیاضی، سید علی، مردم سالاری دینی، کتاب نقد، پاییز و زمستان ۱۳۸۰، شماره ۲۰ و ۲۱،
۳۵. قلی پور، رحمت الله، (۱۳۸۷)، حکمرانی خوب و الگوی مناسب دولت، تهران، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی
۳۶. قیصری، نورالله، قربانی، مصطفی، کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران؛ مدلی برای سنجش و ارزیابی، فصلنامه دانش سیاسی، پائیز و زمستان ۱۳۹۴، شماره ۲۲
۳۷. کدخدایی، عباسعلی، بهادری جهرمی، علی، "مفهوم قوه مجریه"، (۱۳۹۰)، پژوهشهای حقوق تطبیقی، دوره ۱۵۰، شماره ۲،
۳۸. کلانتری، ابراهیم (۱۳۹۳) فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، مقاله کارآمدی نظام سیاسی مبتنی بر نظریه ولایت فقیه و ابزارهای آن، دوره ۴۴، شماره ۳
۳۹. کمالی، یحیی، حکمرانی خوب چیست؟ ؛ ترجمه: فصلنامه تدبیر شماره ۶۲ تیر سال ۱۳۸۸
۴۰. گل دار، زهرا، امیری، مجتبی، قلی پور سوته، رحمت اله، معظمی، منصور، "طراحی چارچوب مفهومی درگیر سازی، سال هفدهم، شماره ۶۶، بهار ۹۶
۴۱. گرجی ازندریانی، علی اکبر، "ده فرمان حقوق عمومی : تأملی درباره اصول و مفاهیم بنیادین حقوق عمومی"، فصلنامه حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۲، تابستان، ۱۳۹۰
۴۲. گزارش دومین نشست تخصصی مدرسه حکمرانی شهید بهشتی: «چیستی حکمرانی»، سلیمی، غلامرضا، ۱۳۹۷/۱۱/۱۵
۴۳. گلشنی، ابراهیم، "حاکمیت، دولت و اندازه حکومت"، فصلنامه تحول اداری، دور دهم، شماره ۵۲
۴۴. گل محمدی، احمد، "مفهوم بندی وبری دولت"، فصلنامه دولت پژوهی، سال اول، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴
۴۵. لیپست، سیمور مارتین، "مشروعیت و کارآمدی"، ترجمه رضا زیب، فرهنگ توسعه، شماره ۱۸، خرداد و تیر ۱۳۷۴
۴۶. مبارک، اصغر، آذریپوند، زیبا نگاهی شاخص های حکمرانی خوب از منظر اسلام و تأثیر آن بر رشد اقتصادی، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال نهم، شماره ۳۶، زمستان ۱۳۸۸
۴۷. متقی، ابراهیم، کرامت فرهاد، "عناصر مشروعیت یابی در نظام های سیاسی"، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۴، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۳
۴۸. محمدجواد رزمی، سمیه صدیقی، الزامات تحقق حکمرانی خوب برای دستیابی به توسعه انسانی، چهارمین همایش ملی اقتصاد ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر، آذرماه ۱۳۹۱

۴۹. محمدی، منوچهر، "مردم سالاری دینی در نظام جمهوری اسلامی یا تئو دموکراسی"، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۴، زمستان ۱۳۸۰
۵۰. مشبکی اصفهانی، اصغر و جمالی، حسن، "بهبود نظام اداری، به سمت خصوصی سازی و عدم تمرکز"، نشریه تدبیر، شماره ۲۱۶، سال ۱۳۸۹
۵۱. معمارزاده طهران، غلامرضا؛ نجفی، مهناز "شناسایی عوامل اثر گذار بر تحول سلامت اداری، مجله مدیریت و توسعه و تحول، شماره ۳۰، سال ۱۳۹۶
۵۲. موسی خانی، محمد، "نظارت و کنترل با کدام رویکرد؟ روند گرای یا نتیجه گرایی"، مجموعه مقالات نخستین همایش نظارت و بازرسی، سال ۱۳۸۰
۵۳. موسوی، سید غلامرضا؛ واعظی، احمد، "نگرش سیستمی و مسئله کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر ظرفیت های نهاد ولایت"، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)، شماره ۶۴، زمستان ۱۳۹۲
۵۴. مهدوی زادگان، د. (۱۳۹۳)، "تمایز جوهری مردم سالاری دینی و غیردینی با تأکید بر تجربه مرد سالاری در ایران اسلامی و غرب"، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی؛ (۳۸)
۵۵. ناظمی اردکانی، محمد، "حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی"، نشریه، راهبرد توسعه، پاییز ۱۳۹۱، شماره ۳۱
۵۶. نقیعی، سید ابوالقاسم، مردم سالاری دینی و تمدن نوین اسلامی، دو فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۱، شماره ۲، پائیز و زمستان ۱۳۹۷
۵۷. نورایی مهدی، "واکاوی مفهومی کلید واژگان چند معنا در قانون اساسی؛ بررسی واژه «دولت»، پژوهشکده شورای نگهبان - دفتر قانون و قانون گذاری، شماره ۱۳۹۴۰۰۷۰، سال ۱۳۹۴
۵۸. نظارت بر رئیس جمهور بنا بر اصل پاسخگویی، حمید رضا مقدسین، فصلنامه علمی تخصصی مجله حقوقی دانشگاه اصفهان، دوره ۵، شماره ۷، پاییز ۹۷
۵۹. نوروزی، محمد جواد: "نظریه مردم سالاری دینی در قیاس با دموکراسی غرب"، چکیده مقالات همایش مردم سالاری دین
۶۰. ولی زاده، ابوالقاسم، "مقایسه مبانی و شاخص های مردم سالاری دینی با لیبرال دموکراسی"، کنفرانس ملی آینده پژوهی علوم انسانی و توسعه، شیراز، مهرماه ۱۳۹۴
۶۱. هداوند، مهدی، "حکمرانی خوب توسعه و حقوق بشر"، نشریه حقوق اساسی، شماره چهارم، ۱۳۸۴
۶۲. یگانگی، سیده عاطفه، الوانی سید مهدی، معمارزاده طهران، غلامرضا، "اولویت بندی شاخص های حکمرانی خوب در سازمان های کارا (مطالعه موردی: شعب بانک رفاه استان قزوین)"، فصلنامه رسالت مدیریت دولتی، سال هفتم، شماره ۲۱، بهار ۱۳۹۵
۶۳. یوسفی شیخ رباط، محمدرضا، بابائی، فهیمه، "نظریه حکمرانی خوب از دید گاه نهج البلاغه"، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه: سال ششم شماره ۲۱ بهار ۱۳۹۷

ج: پایان نامه:

۱. ضیایی، رضوان پایان نامه: " نقش سیستم های نظارت و بازرسی (آمودزمان) در توسعه مردم سالاری"، کارشناسی ارشد در رشته حقوق عمومی، دانشگاه تهران (پردیس قم)، سال ۱۳۸۹،
۲. گنجی، معصومه، با عنوان "آسیب شناسی ساختار سازمانی دستگاه های دولتی بر اساس ضوابط تشکیلات دولت، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت منابع انسانی دانشگاه تهران، سال ۱۳۹۴
۳. موسوی، سید غلامرضا: "نقش نگرش سیستمی در کارآمدی نظام اسلامی مبتنی بر نظریه ولایت فقیه"، دکترای مدرسی معارف اسلامی و مبانی نظری اسلام، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام دانشکده: معارف، فلسفه و کلام اسلامی، فروردین ۱۳۹۱